

فرقی ندارد هر کاری بادیگران میکنند یا این قاجاق هم میکنند و هر طور آنها را جریمه میکنند و مجازات میدهند باینها هم همان معامله را خواهند کرد

**رئیس** - در کلیات مخالفی نیست آقایانیکه که این لایحه را کلیه تصویب میکنند قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد چون وقت دیر است اگر مخالفی نباشد جلسه را میگذاریم برای فردا سه بفرودمانده مخالفی نیست (گفته شد خیر) دستور آن هم شور در بقیه قانون یستی و راپورت شعبه راجع با انتخاب بم خواهد شد ولی آنروز در اینجا مذاکره شده که بایستی اینکار معلوم شود یعنی در یک کمیسیون رسیدگی بشود یا نشود از قراری که معلوم میشود بایستی راپورت شعبه بم مجلس بیاید و در اینجا رأی گرفته شود چون آن شخص که استعفا کرده است در واقع یک رقبی دارد و میگوید اکثریت با من بوده است و وکیل من هستم این مسئله باید حل شود و معلوم شود وکیل کی بوده است و اگر زد شود آنوقت همان ناظمالتجاری که ادعای وکالت دارد او وکیل است و اگر رد نشود و قبول شود و آنوقت باید تجدید انتخاب شود در این باب کسی مخالفتی دارد

**ناصر الاسلام** - نظر دارم که آن روز که فرمودید که این مسئله باید بیک کمیسیون که صلاحیت داشته باشد رجوع شود و در این موضوع رسیدگی نماید و نظریات خود را حاضر کند آن وقت اگر مقتضی شد در مجلس مطرح مذاکره شود و بنده معتقدم که به کمیسیون نظامنامه داخلی مجلس که صلاحیتش بیشتر از هر کمیسیون است ارجاع شود

**رئیس** - آن وقتی که این مذاکرات شد مسئله ناظمالتجاری در میان نبود بعلاوه یک سابقه دیگری داشت که راجع بوکیل دماوند بود چون او استعفا کرد و دیگر این جا رسیدگی نشد ولی شخص شاکی در کار نبود که بگوید من وکیل هستم و او وکیل نیست و حالا اینجا یک همچو ترتیبی پیش آمده است اگر این امر را بکمیسیون رجوع کنیم و عقیده اش این شد که نباید به این کار رسیدگی شود آنوقت یا ناظمالتجاری ادعا میکند من وکیل هستم چه خواهند کرد

**سر دار سعید** - بنده اجازه دارم از طرف شعبه عرض بکنم .

**رئیس** - حالا این مسئله باید تمام بشود بعد که این مسئله معلوم شد اگر از طرف شعبه فرمایشی دارید بفرمائید آقای محمد هاشم میرزا پیشنهادی کرده اند قرائت میشود .

(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در باب انتخاب بم و شکایات ناظمالتجاری در کمیسیون نظام نامه داخلی با حضور بنده تجدید نظر شود و تا راپورت این مطلب از مجلس شورای ملی نگذرد در بم تجدید انتخاب نشود .

**رئیس** - چه چیز تجدید نظر شود .

**محمد هاشم میرزا** - اینکه عرض کرده ام تجدید نظر شود تصریح کرده ام که در باب انتخاب بم در کمیسیون نظام نامه داخلی تجدید نظر بشود و تجدید نظر در صورتی میشود که کمیسیون رسیدگی کرده باشد و بنده عقیده ام این بود که از وظیفه شعبه خارج است و عقیده ام اینست که یک مجلسی برای

این مسئله لازم است و محل آنهم بهتر این است کمیسیون نظام نامه داخلی باشد باین کار رسیدگی بکند و به بیند این شخص وکیل است یا ناظمالتجاری زیرا یک کمیسیون مربوطی که تشکیل نشده که این مسئله را بآنجا رجوع کنند بنا بر این تقاضا کردم که بکمیسیون نظام نامه داخلی رجوع شود و بنده اشکالاتی دارم بآنجا رجوع میکنم اگر رفع اشکالات من نشد آنوقت راپورتش بمجلس میآید اگر رد شد یا قبول آنوقت تکلیفش معلوم میشود و از قراری که امروز در روزنامه جات نوشته شده بود تلگراف به بم کرده اند بجای حاج اعتبار السلطنه وکیل انتخاب کنند و حال آنکه این مطلب هنوز مختلف فیه است و حل نشده است بعقیده بنده اگر این کار نشود باز اسباب اشکال فراهم خواهد شد همین طوریکه رقب او شاکی است آن وقت یک شکایت دیگر پیدا خواهد شد و هنوز رفع یک شکایت نشده یک شکایت دیگر پیدا می شود و آن وقت باید هر دو مسئله حل شود بنا بر این بنده تصور میکنم این مسئله اول حل شود بهتر است .

**رئیس** - اینجا دو مطلب است مسئله اول باید حل شود و بعد در مسئله ثانی مذاکره کنیم مسئله متنازع فیها این است که این کار باید تعقیب شود یا نه یعنی راپورتی که از شعبه در باب وکالت حاج اعتبار السلطنه داده شده بود باید بمجلس بیاید و در آنخصوص رأی بگیریم یا خیر .

اول - این مسئله باید حل شود و بعد برویم به مطلب ثانی چون بعضی عقیده شان این است که راپورت شعبه باید بمجلس بیاید و رأی بگیریم .

**محمد هاشم میرزا** - عرض بنده این است که راپورت مجدداً در کمیسیون نظامنامه داخلی رسیدگی شود بعد بیاید به مجلس و رأی گرفته شود .

**رئیس** - پیشنهادی آقای ناصر الاسلام کردند ( قرائت میشود ) .

(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که این مسئله ارجاع به کمیسیون نظامنامه داخلی مجلس بشود که پس از مطالعه راپورتهای راجع با انتخاب بم عقیده خودشان را بمجلس اظهار نمایند .

**رئیس** - بنظر بنده در هیچکدام از این پیشنهادها نمیشود رأی گرفت اینست که بنده خودم مسئله را طرح میکنم یک عقیده اینست که راپورت شعبه بیاید بمجلس رأی بگیریم یک عقیده دیگر آن است که بیک کمیسیون رجوع شود و این مسئله با نظامنامه موافق نیست و مخالف است در این صورت حق اینست که این مسئله بیک کمیسیون ارجاع شود که در آن کمیسیون به بیند این مسئله مخالف نظامنامه هست یا نیست آقایانی که تصویب میکنند این مسئله رجوع بشود بعد از آنکه راپورت کمیسیون بمجلس آمد قرار این کار را بگذارند آقایانی که با این ترتیب معتقدند قیام بفرمائید (اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد و ۳۴ نفر از آقایان رأی دادند بکمیسیون رجوع شود کمیسیون هم اگر مخالفی نباشد کمیسیون نظامنامه داخلی باشد (گفته شد صحیح است) .

(مجلس یکساعت از شب گذشته ختم شد)

**جلسه ۳۵**

**صورت مشروح مجلس روز یکشنبه**

**۲۴ شهر جمادی الثانیه ۱۳۲۳**

مجلس تقریباً دو ساعت و نیم قبل از غروب در تحت ریاست شاهزاده سلیمان میرزا نائب رئیس تشکیل و صورت مجلس روز قبل قرائت شد

غائبین بدون اجازه - آقایان حاج امام جمعه حاج شیخ اسماعیل - آقا سید فاضل

غائبین با اجازه - آقایان حاج میرزا فضلعلی آقا دکتر لقمان

**نایب رئیس** - در صورت مجلس نظریاتی هست (اظهاری نشد) چون نظریاتی نیست صورت مجلس تصویب شد شروع میکنیم بقانون یستی از فصل بیست و یکم

(فقره اول از فصل (۲۱) بمضمون ذیل قرائت شد)

فصل بیست و یکم - حقوق مخصوصه معینه در فصل (۱۹) بقدرات ذیل تعلق نمیگیرد

اولا - مطبوعات که قائم مقام وجوه نقدینه باشد

**نایب رئیس** - در قسمت اول نظریاتی هست .

**ارباب کبخی** - در اینجا نوشته شده حقوق مخصوصه در فصل (۱۹) بقدرات ذیل تعلق نمیگیرد گویا مقصود از این عبارت این باشد که در این چند فقره که در ذیل این ماده نوشته شده همان حقوق معمولی است دریافت میشود ولی این عبارت فوق که می نویسد تعلق نمیگیرد این مطلب را نپرساند و مفهوم نمیشود که چیز تعلق نمیگیرد

**مخبر** - این ماده کاملاً واضح نوشته شده و مقصود این است که اگر مطبوعات باشد ولی مطبوعاتی باشد که قائم مقام و در حکم وجوه نقدینه و یا مضامین آنها طوری باشد که حکم مراسلات شخصی را داشته باشد البته در حکم پاکت خواهد بود و خود ماده باین مطلب تصریح دارد

**سر دار سعید** - اینکه آقای مخبر میفرمایند تصریح دارد بنده عرض میکنم تصریح ندارد زیرا که همینقدر می نویسد حقوق فصل (۱۹) بقدرات ذیل تعلق نمیگیرد و معین نمیکند کدام حقوق بآنها تعلق میگیرد و حقوقی که تعلق میگیرد چیست

**مخبر** - از برای مراسلات و مطبوعات دو قسم حقوق بیشتر قائل نشدیم یک حقوق مخففه و یک حقوق معمولی حقوق مخففه مختص بمطبوعات و اوراقی است که در فصل نوزدهم ذکر شده و حقوق معمولی حقوق مراسلات و نوشتجات است در اینجا مقصود این است که حقوق مخففه بقدرات ذیل تعلق نمیگیرد بلکه حقوق معمولی بآنها تعلق خواهد گرفت

**ارباب کبخی** - در اصل مطلب کسی مخالفت ندارد مخالفت در عبارت است بنده گمان میکنم قانون را باید بطوری نوشت که در بیان مقصود صریح باشد نه اینکه هر قسمتی که میخواهند تأویل بردار باشد اینجا مینویسد تعلق نمیگیرد باید واضح و معلوم باشد که چه چیز تعلق نمیگیرد که آن حقوق تعلق نمیگیرد بنده هیچ ضرری نمی بینم که در این باب مراجعه و دقتی بشود و بر آن عبارتی بیفزایند که صریح در مقصود باشد دیگر اشکالی ندارم

**فایب رئیس** - در صورتی که اصلاح عبارتی باشد ممکن است ارجاع شود بکمیسیون و در اینجا تصحیح شود

( فقره دوم بمضمون ذیل قرائت شد )

ثانیاً - مطبوعاتی که مضامین آن حکم مراسلات را داشته باشد و برای گیرنده یک قسم اختصاص را داشته باشد

**فایب رئیس** - در قسمت دوم نظریاتی نیست ( اظهاری نشد و فقره سیم بمضمون ذیل قرائت شد )

ثالثاً - مطبوعاتی که دارای بعضی علائم هستند که بتوسط آنها دو شخص مقاصد شخصی خود را بیکدیگر اظهار مینمایند

**فایب رئیس** - در قسمت سوم نظریاتی نیست .

**محمد هاشم مهرزاد** - خوب است این مطلب را توضیح بدهند که بعد از اسباب اشکال نشود و بفرمایند مقصود از این مطبوعاتی که دارای بعضی علامات هستند که بتوسط آنها مقاصد شخصی بطرف مقابل معلوم میشود چه چیز است

**مخبر** - عرض میکنم بعضی اوراق چاپی هست که بطور متحد المال می نویسند و راجع بمقاصد شخصی است آن‌ها را اداره پست مجبور است در حکم مراسلات محسوب بدارد و بعضی مراسلات است که بطور رمز در جرائد چاپ میکنند و طرف مقابل مطلب را متلفت میشود مقصود این است که از این قسم مطبوعات حقوق معموله دریافت میشود

**فایب رئیس** - آقای سلطان العلماء مخالف هستند .

**سلطان العلماء** - این ماده خالی از اشکال بنظر نمی آید زیرا که غالب مطالب جرائد شخصی است خوب است از این ماده صرف نظر نمایند

**حاج شیخ یوسف** - بنده عرض میکنم که این فقره دوم و سوم یک چیزی است که بنده برای هیچکس مصداقی تشخیص نمیدم

**ارباب کیخسرو** - بنده همان اشکالی که داشتم در اینجا هم دارم و در این فقره مینویسد مطبوعاتی که دارای بعضی علائم هستند و دو شخص معین بتوسط آن مقاصد شخصی خود را بیکدیگر اظهار مینمایند آقای مخبر راجع باین فقره فرمودند که بعضی مطبوعات است که بطور رمز نوشته میشود بنده تا بحال ندیده ام و سراغ ندارم که چه قسم میشود بملائم رمزی دو شخص مقاصد خود را بیکدیگر بفهمانند خوب است توضیح بدهند به بینم چه قسم می شود که دو نفر مطالب خود را بر رمز بیکدیگر بفهمانند

**مخبر** - عرض کردم که بسیاری از مراسلات هست که انسان مجبور است آنها را برای بعضی اشخاص بفرستد و راجع بشخص خودش است مثلاً بکنفر می خواهد برای ۵۰ نفر اینگونه نوشتجات شخصی را که تمام بیک مضمون است بتوسط پست بفرستد البته در اینصورت اداره پست نباید حقوق تجارتی از او دریافت دارد حقوق معمولی از او گرفته می شود

**محمد هاشم مهرزاد** - این توضیحی که آقای مخبر فرمودند راجع بقسمت دوم بود در

قسمت سیم توضیح دادند که دو نفری که یک مطلبی را بطور رمز چاپ میکنند و برای بیکدیگر میفرستند بنده عرض میکنم اگر رمز در غیر از مطبوعات است باید توضیح بدهند و اگر در مطبوعات است تشخیص دهنده رمز کیست معلوم نیست که موضوع اینگونه مطبوعات چیست و مشخص رمز کیست و در بستخانه چطور میفهمند که رمز است اگر ما برای این مطلب تکلیفش معین نکنیم بعدها باعث تولید اشکال خواهد شد و ممکن است هرورقه را که اداره پست بدهیم بگویند رمز است پس خوب است معین بشود که نوشتجات رمزی چه چیز است .

**معاون وزارت پست و تلگراف** - در این فصل این سه جمله که نوشته شده است تمام مقصودش خوب واضح است در اینجا میگوید چون در حقوق پستی مطبوعات تخفیف قیمت داده شده است و ممکن است بعضی مطبوعات دارای مطالب شخصی باشد از این جهت اینگونه مطبوعات را نمیشود در حکم سایر مطبوعات دانست و راجع باین فقره اخیر که میفرمائید چطور میشود بطور رمز باشد عرض میکنم اولاً اگر در نظر آقایان باشد بموجب قانون تلگرافی که سابق نوشته شده رمز ممنوع است اما اینجا که رمز گفته میشود مقصود این است که یک شخص اگر بخواهد بتوسط مطبوعات مقصود خودش را بشخص دیگر برساند و مثل مطبوعات آنرا بنصف قیمت با پست بفرستد ممکن نیست و باید حقوق معموله مراسلات را بدهد و مسلم است این مطالب در صورتی است که اداره پست بتواند مدلل بدارد نه اینکه فقط محض قول بگویند این مطلب مشخص است حالا فرضاً اگر یک همچو اتفاقی بیفتد ( و انشاء الله هیچوقت اتفاق نمی افتد ) و خیلی هم نادرست است ولی چون قانون باید دارای تمام مطالب باشد اینست که اینجا قید شده اگر چنانچه یک همچو اتفاقی بیفتد در مطبوعات مطالب شخصی درج شود اینگونه مطبوعات در حکم مراسلات است و باید حقوق مراسلاتی بآن تعلق بگیرد نه حقوق مطبوعات که نصف قیمت باشد .

**هویید الاسلام** - بنده عرض میکنم این توضیح که راجع باین عبارت میدهند که مراد مطبوعات مشخص است کافی نیست و این عبارت این مقصود را نمیرساند زیرا که در این فقره مینویسد .

( مطبوعاتی که دارای بعضی علائم هستند که دو نفر مقاصد شخصی خود را میفهمند ) پس خوب است بنویسند مطبوعاتی که راجع بمقاصد شخصی است .

**سردار معظم** - عقیده بنده این است که باید از یک نقطه نظر دیگر بمطلب نگاه کرد و در مواردیکه قبلاً گذشت برای مطبوعاتی عام المنفعه بود تخفیفی را قائل شدند و در اینجا میخواهد مستثنیات مطبوعات را برساند و می نویسد یکی مطبوعاتی که در حکم وجه نقدینه است که فقره اول بود بعد مطبوعاتی را که حکم مطالب شخصی را دارا است که فقره دوم بود و فقره سیم میگوید مطبوعات وقتی که دارای علائم مخصوص باشند که ممکن باشد از روی آن طرفین مقصودشان را بیکدیگر بفهمانند در جزو مراسلات شخصی محسوب میشود و اگر در قانون این فقره قید و تصریح نشود ممکن است که بعدها اسباب زحمت اداره بستخانه بشود چون ممکن است یک عده وهیبتی باشند که در تمام مملکت متفرق

هستند و یک علائمی داشته باشند که بواسطه مبادله آن علائم در اوراق امضاء مطالب خودشانرا بیکدیگر بفهمانند در این صورت با اداره بستخانه حق داده شده است که بتواند بگوید این اوراق مطبوعاتی است که در حکم مراسلات شخصی است و اگر این عبارت ذکر نشود ممکن است که دهنده آن اوراق بگوید اشتباه کرده اید این خطوط یک نقوش است و بهیچ وجه جزو مطبوعات شخصی نیست در حالتی که حقیقه این گونه مطبوعات در حکم مراسلات شخصی است و برای تصریح باین مسئله این مطلب در این جا بعنوان فقره سوم ذکر شده است و هیچ اشکالی هم ندارد

**ناصر الاسلام** - اینجا دو نظر است یک مرتبه به بینم آیا بستخانه صلاحیت دارد مطبوعاتی را که در آنها مطالب شخصی باشد و بوسیله آن دو نفر مقاصدشانرا بیکدیگر میفهمانند تشخیص بدهد در این صورت آیا بچه نحو تشخیص خواهد داد حرف در تشخیص دادن است چون موقع مملکت همیشه موقع حاضره نیست ممکن است اداره پست در بعضی مواقع نظر بیاره بهانه جوئی ها یک کلماتی که هیچ نمی توان آنها را جزو مطالب شخصی قرارداد از آن قبیل مطبوعات جلو گیری کند و بعقیده بنده برای توضیح این مطلب اگر مخبر صلاح بدانند جزو عتالت رجوع بکمیسیون بشود و کمیسیون یک نظریاتی دیگر در این خصوص نموده توضیحات بدهند که اسباب اشکال نشود و گمان می کنم اگر مخبر این تقاضا را بکنند ضرر ندارد .

**فایب رئیس** - گمان میکنم مذاکرات در این باب کافی است (فصل ۲۲ بمضمون ذیل قرائت شد)

**فصل (۲۲) حقوق پستی مستوره جات تجارتی** کدر زمان تحویل حقوقش پرداخته نشود و مبدعه و مقصد آن در داخله مملکت باشد از قرار ده متقال یا کسر ده متقال دوشاهی است ولی وزن مستوره جات از (۷۵) متقال نباید زیاده تر باشد .

**فایب رئیس** - در این فصل که خوانده شد نظریاتی هست - (مخالفتی نشد و فصل ۲۳ بمضمون ذیل قرائت شد )

**فصل بیست و سوم** - حقوق معینه در فصل سابق بمستوره جاتی تعلق می گیرد که دارای قیمت تجارتی نباشند و روی خود مستوره یا نوار و لفاف آن چیز دیگری جز اطلاعات ذیل نوشته نشده باشد عنوان گیرنده اسم فروشنده علامت کارخانه یا علامت مخصوص تاجر - نمره - قیمت و اطلاعات راجعه بوزن و طول و عرض و حجم و مقدار مال التجاره که تقدماً در آن جنس حاضر است و اطلاعات راجعه بمبدعه و جنس مال التجاره

**سردار معظم** - بنده میخواستم بپرسم اگر علاوه بر اسم فروشنده آدرس فروشنده را بنویسند اداره پست قبول نخواهد کرد

**مخبر** - در اینجا مخصوصاً عنوان گیرنده و اسم فرستنده هر دو نوشته شده و اسم فرستنده با آدرس او فرقی ندارد

**سردار معظم** - بنده گمان میکنم اگر درست دقت فرمائید اسم با آدرس یک قدری فرق دارد **فایب رئیس** - این اصلاح عبارتی است در کمیسیون اصلاح خواهد شد دیگر نظریاتی نیست

( اظهاری نشد و فصل ( ۲۴ ) بمضمون ذیل قرائت شد )  
فصل بیست و چهارم - حقوق متمله باوراق کار که در زمان تحویل حقوق پستی ادا میشود مبدء و مقصدش در داخله مملکت است از قرار ده مثقال یا کسردم مثقال ۲ شاهی است و وزن این قسم بستهها از ( ۴۰۰ ) مثقال نباید تجاوز کند اول میزان حقوق پستی دوپسته اوراق کار ۶ شاهی است

بدهند که مراد از اوراق کار چگونه اوراقی است  
**مخبر** - اوراق کار صورت حساب اداره یا تجارتخانه است که میفرستد اینگونه اوراق اگر چه مثل مطبوعات است ولیکن یک نوع اطلاعاتی حاوی است که شخصی است و بیشتر از مطبوعات محل توجه است باین جهت اگر وزن آن ده مثقال یا کمتر از ده مثقال باشد حقوق آن ۶ شاهی گرفته میشود و از ده مثقال که بالا رفت بهمان ترتیب مطبوعات از آن کرایه میگیرند

**نایب رئیس** - دیگر در این ماده نظریاتی نیست

( اظهاری نشد فصل ( ۲۵ ) بمضمون ذیل قرائت شد )

فصل بیست و پنجم - تعیین شرایط جنس و شکل و اندازه کارتهای پستی و بستههای جراید و ضمیمههای جراید و سایر مطبوعات و مستوره جات تجارنی و اوراق کار با اداره پست است اداره پست مجاز است که از حیث شرایط و تعرفه کارتهائی را هم که اشخاص مختلفه میسازند مثل کارتهای پستی ملاحظه نمایند

( در این فصل نیز مخالفتی نشد فصل ( ۲۶ ) بمضمون ذیل قرائت شد )

فصل بیست و ششم - حقوق مقرر در فصول ۱۹ و ۲۰ و ۲۲ و ۲۴ این قانون بجز اموال مطبوعات و مستوره جات تجارنی و اوراق کار تعلق میگیرد که زمان تحویل دادن به پستخانه تسبیبوری آنها الصاق شده باشد یا در نواریهای تمبردار پیچیده شده باشد آنهائی که در زمان ارسال ابتدا تمبر روی آنها الصاق نشده باشد چهار برابر حقوق معینه از گیرنده آن دریافت خواهد شد

**محمد هاشم میرزا** - بنده عرض میکنم در باب پاکت بدن تمبر که دو برابر حقوق معین شده بود که از گیرنده آن گرفته شود توضیحاتی دادند و قانع نشدیم و حالا در اینجا چهار برابر نوشته اند خوب است آقای مخبر در این باب توضیحی بدهند که علت چهار برابر گرفتن چیست

**مخبر** - البته آقایان میدانند حمل نوشتهجات خیلی سهل است و یک پاکتی که وزن آن دو مثقال است و برای حمل آن با اداره پست چندین مغارجی تحمل نمیشود ولی از برای اینطور مطبوعات که هر کدام ۷۵ مثقال یا ۴۰۰ مثقال است از یک نقطه بنقطه دیگر که میخواهند بفرستند باید مبلغی کرایه بدهند ببرند و مابقی هم بدهند برگردانند باین جهت باید کرایه را زیادتر قرار داد بعضی که میانی ما هستند که برای رواج مالالتجاره خودشان از خارج اتصالاً اینطور مستوره جات و مطبوعات برای تاجر میفرستند و بچه جوجه روی آنها تمبر نمیزنند برای اینکه طرف قبول بکند و فرستنده مجبور باشد که مراسلات

و مستوره جات خودش را همیشه تمبر بزند این جریمه را چهار برابر قرارداده اند که گیرنده استنکاف نموده برگردانند تا اینکه بندهها فرستنده مجبور شود که حقوق پستی معمولی را بدهد و اسباب زحمت اداره پست نشود

**معدل الدوله** - البته نظر آقایان هست که در روز قبل در باب پاکتها بنده یک نظریاتی داشتم در اینکه دو برابر بگیرند و چیزی که بنظر می رسید این بود که رهائیتی بشود از کسیکه سهو کرده و پاکتی بدون تمبر در صندوق پست انداخته و طرف مقابل او هم یک انتظاراتی برای کافند دارد و البته از روی میل دو برابر را خواهد داد و همینطور بعضی محسنات دیگر هم بنظر می آید ولی این مسئله چهار برابر گرفتن که امروز مذاکره میشود چیز غریبی بنظر بنده می آید در خصوص پاکتها مذاکره شده که چون بعضی جاها صندوق پستی هست مردم پاکتهای خودشان را در آن صندوق میاندازند اگر بدون تمبر بود اداره پست حمل کند و از طرف مقابل دو برابر حقوق خود را بگیرد اما مستوره جات اینطور نیست و مستوره ها را حکما یک شاکرد تاجری به پستخانه میبرد در صندوق میاندازد که بگوئیم بدون تمبر بوده و اداره پست آنها را حمل کند تصور میکنم معاون وزارت پست هم قبول کند که این ماده از میان برداشته شود و هر وقت اینگونه اشیاء را به پستخانه میبرند پول تمبر را از آنها بگیرند و خودشان را چهار زحمت نکنند اگر آنرا قبول نکنند و از اول بزند بهتر است

**معاون پست و تلگراف** - با اینکه دیروز در مسئله دو برابر شرحی عرض شد در این باب هم لازم است توضیحی عرض کنم و نظر آقایان را جلب کنم

به قسمت اخیری که در این قانون نوشته و می نویسد طرف مقابل میتواند از گرفتن آن امتناع نماید و قبول نکنند بعد از آنکه حق امتناع باو داده شد گمان میکنم دیگر جای ایراد نباشد اما اینکه میفرمایند چرا چهار برابر نوشته شد همانطور که آقای مخبر توضیح دادند علتش اینست که چون مستوره جات و مطبوعات وزنشان زیاد است و از ( ۷۵ ) الی ( ۴۰۰ ) مثقال است و در ذهاب و وایاب آن زحمتی بدنامتر پست وارد می آید ناچار میشوند چهار برابر بگیرند و چون طرف مقابل نمیتواند رد کند بچه جوجه محل ایراد نخواهد بود و اما اینکه میفرمایند چرا باید اداره پست قبول بکند همانطوریکه دیروز عرض کردم اداره پست این موادی را که در اینجا دو برابر یا چهار برابر نوشته برای اینست که مردم مجبور نباشند که مراسلات خود را با تمبر بفرستند و همان طوری که فرمودید اینها چیزی نیست که بصندوق پست بیندازند و البته بدفاتر پست میرود و دفاتر پست هم ناچار تمبر میکنند ولی چگونه می شود و این مطلب اتفاق می افتد چون ممکن است یک وقتی یک مستوره یا یک کاتولوک یا یک کتابی که هلاکت یک کارخانه را دارا است برای یک تاجری میفرستند و آن تاجر هم خیلی مایل است آنرا به بیند در این صورت حقوق آنرا خواهد داد علاوه اداره پست برای این تاسیس شده است که عموم مردم بواسطه آن راحت و در آزادی باشند و محظوری نداشته باشند چون

آنکسی که میخواهد یک چیزی بفرستد مطمئن نیست که طرف مقابل مالالتجاره او را قبول میکند یا خیر اداره پست قبول میکند و حمل میکند و بطرف او هم حق امتناع میدهد که وقتی آن مستوره را برای او بردند اگر طالب باشد این حقوق را که نوشته شده است بدهد و اگر طالب نیست رد کند اگر چه این مطلب بندرت اتفاق می افتد ولی بنده گمان میکنم این حق را بایستی داد مردم برای اینکه بتوانند علامت تجارتخانه و مستوره حائی که دارند بدون کرایه بفرستند و در صورتی که طرف مقابل لازم داشته باشد و قبول کند چهار برابر کرایه را با کمال منت بدهد و الا امتناع کند

**عادل الملک** - اینکه گفته شد چهار برابر هم بواسطه تخفیفی که در حقوق مستوره جات دارند مساوی با همان دو برابر حقوق مراسلات است برای اینکه شاهزاده محمد هاشم میرزا از این ماده که نوشته شده است چهار برابر گرفته میشود تعجب داشتند این توضیحاتی را که دادند که گیرنده حق امتناع دارد همان طوری که مجلس میبایستی صرفه دولت را راهم در نظر داشته باشد در واقع پستخانه در یک قسمت از امورات خود عمل لغو میکند برای اینکه اگر طرف امتناع کرد مکلف است این چیز را بدون حقوق هودت دهد و آن صرفه که برای دولت در این باب منظور است ملاحظه و رعایت نشده است علاوه توضیحی که آقای معدل الدوله دادند کافی بود زیرا مستوره جات و امانت غیر از مراسلات است و بواسطه وزن و حجمی که دارد نمیتواند در صندوق بیندازند و ناچار فرستنده پستخانه میبرد و مأمورین آنرا در تحت معاینه می آورند و هیچ ربطی به مراسلات ندارد

**معاون** - گمان میکنم توضیحی را که عرض کردم دارای این جواب بود

اولاً اینکه میفرمایند باید صرفه دولت را منظور داشت عرض کردم که این مطلب خیلی نادر است و اداره پست وقتی که میخواهد این امانات یا مستوره را حمل کند البته به اقتضای وقت ملاحظه این مطلب را خواهد کرد که مستوره جات رواج هست یا نه یعنی وقتی دید از چهار مستوره که میفرستند دو تای آنها را قبول میکنند حمل خواهد کرد و مسلم است این مسئله خیلی نادر اتفاق خواهد افتاد و برای این که اداره پست در ماده پیش قبول نکرد که پاکت را بدون تمبر حمل کند و در صورتی که طرف مایل باشد دو برابر بدهد ناچار است سایر اشیائی را هم که با اداره پست میآورند قبول کند و اگر یک همچو ضرری هم بکند نظر باینکه صلاحیت عموم در آن است و عموم از این مطلب راحت خواهند بود عیب ندارد چنانکه عرض کردم صاحب کارخانه مادامی که نداند این مطاع او خرید خواهد داشت یا نه مایل نیست یک پولی بپستخانه بدهد نمونه مالالتجاره او را حمل کنند در این صورت اداره پست برای اینکه مردم راحت باشند قبول میکنند و طرف مقابل اهم راضی است چهار برابر را بدهد بنده در این مطلب هیچ ضری نمی بینم و اگر اداره پست در این مطلب ضرری برای خود تصور میکرد پیشنهاد نمیکرد

**ناصر الاسلام** - بنده تصور میکنم این توضیحاتی که داده میشود از برای اداره پست مفید نباشد از یکطرف میفرمایند ما برای تسهیل امور مردم این مطلب را در نظر گرفته و این ماده را نوشتم بنده عرض میکنم این ماده ممکن است در اداره پستخانه تولید هرج و مرجی بکند و فتح بابی خواهد شد که امانات و مستوره جات را بدون الصاق تمبر و بدون حق الضمانه قبول کنیم و آن طرف را ملزم نمائیم که در صورت قبول چهار برابر بدهد در این صورت واقعاً مایک هرج و مرجی را اجازه داده ایم و این توضیحات ما را قانع نمیکند باینکه این ماده یک صلاح عمومی را دارا است یا اینکه یک تجارتخانه برای ترویج مالالتجاره یک نظر خصیصی دارد و میخواهد ببیند که این مستوره هایش از فلان تجارتخانه موقع قبول خواهد یافت یا نه این یک مصلحت و ملاحظه سطحی است و عقیده بنده این است که این ماده هم آن ماده است و اگر بفرمائید آن مسئله گذشت بنده عرض میکنم خیر نگذشته است در شور دوم باز نظریات خود را عرض خواهم کرد

**حاج عز الممالک** - اولاً بنده اینجا خاطر میخواید ببیند که این مستوره هایش از فلان تجارتخانه موقع قبول خواهد یافت یا نه این یک مصلحت و ملاحظه سطحی است و عقیده بنده این است که این ماده هم آن ماده است و اگر بفرمائید آن مسئله گذشت بنده عرض میکنم خیر نگذشته است در شور دوم باز نظریات خود را عرض خواهم کرد

**حاج شیخ یوسف** - گمان میکنم مذاکرات کافی است دو پیشهاد رسیده است یکی از طرف آقای ارباب کیخسرو یکی از طرف آقای ناصر الاسلام مبنی بر اینکه این ماده حذف شود ولی گمان می کنم این پیشهاد مخالف نظامنامه داخلی باشد و حذف ممکن نباشد

**از باب کیخسرو** - در صورتی که این پیشهاد مخالف نظامنامه است اینطور هم بماند تصور میکنم اسباب خیلی اشکال خواهد شد و در شور دوم هم معطل خواهد شد تقاضا میکنم آقای مخبر این پیشهاد را رجوع بکسیون نمایند و در کمیسیون یک نظریاتی شود

**ناصر الاسلام** - بنده یک پیشنهاد دیگری خواهم کرد و تقاضا می کنم این ارجاع بکسیون بشود

**مخبر** - نمیشود بکسیون ارجاع شود بجهت اینکه شوراوش شده است

**نایب رئیس** - فصل ۲۷ قرائت میشود ( بمضمون ذیل قرائت شد )

فصل ( ۲۷ ) هرگاه جرائد و مطبوعات و مستوره جات تجارنی و اوراق کار از داخله بداخله ارسال میشود دارای شرایط لازمه که باعث تخفیف کرایه پست است نباشد حقوق پستی پاکت بآنها تعلق خواهد گرفت

**نایب رئیس** - در این ماده نظریاتی است یا نیست

آن مستوره یا جریده بدون تمبر وارد پستخانه شد و مأمورین پست غفلت کرده و آن مستوره یا جریده را بصاحبش نرسانند در واقع یک ضرر فوق العاده است که بطرف مقابل وارد میاید در این صورت بنده تصور میکنم که آقایان نباید آنقدر در این ماده مخالفت نمایند

**مقید الاسلام** - عقیده بنده اینست مستوره که تمبر ندارد ابتدا نپذیرند و اگر کسر تمبر دارد در مقابل جریمه بگیرند و تصور میکنم اگر باین ترتیب باشد بهتر است

**مخبر** - البته آقایان میدانند قوانینی که نوشته میشود یک مقدار از آن قانون باید مطابق با قانون بین المللی بشود ما این قانون را که مینویسیم فقط راجع بداخله مملکت نیست بلکه اگر چنانچه ما میخواستیم فقط این قانون را بجهت داخله مملکت خودمان بنویسیم همان طور است که میفرمائید ولی این قانون باید مطابق قانون بین المللی نوشته شود و قانونی باشد که در تمام دنیا معمول است در تمام دول آنرا قبول کرده اند و این ماده یکی از موادی است که در تمام دول قبول کرده اند در این صورت وقتی که یک نوشتهجات و مستوره جاتی بدون تمبر یا با کسر تمبر از خارج بخاک ایران میاید دولت ایران نمی تواند قبول نکند و بگوید بدون تمبر است مجبور است قبول کند و مجبور است آنها را بصاحبانش برساند و حقوق بین المللی آنها را بپردازد و الا چطور میشود حقوق بین المللی را بدهد و از صاحبان آنها بگیرد پس باید قوانینی که وضع میشود مقداری با قوانین بین المللی موافقت کند

**نایب رئیس** - گمان میکنم مذاکرات کافی است دو پیشهاد رسیده است یکی از طرف آقای ارباب کیخسرو یکی از طرف آقای ناصر الاسلام مبنی بر اینکه این ماده حذف شود ولی گمان می کنم این پیشهاد مخالف نظامنامه داخلی باشد و حذف ممکن نباشد

**از باب کیخسرو** - در صورتی که این پیشهاد مخالف نظامنامه است اینطور هم بماند تصور میکنم اسباب خیلی اشکال خواهد شد و در شور دوم هم معطل خواهد شد تقاضا میکنم آقای مخبر این پیشهاد را رجوع بکسیون نمایند و در کمیسیون یک نظریاتی شود

**ناصر الاسلام** - بنده یک پیشنهاد دیگری خواهم کرد و تقاضا می کنم این ارجاع بکسیون بشود

**مخبر** - نمیشود بکسیون ارجاع شود بجهت اینکه شوراوش شده است

**نایب رئیس** - فصل ۲۷ قرائت میشود ( بمضمون ذیل قرائت شد )

فصل ( ۲۷ ) هرگاه جرائد و مطبوعات و مستوره جات تجارنی و اوراق کار از داخله بداخله ارسال میشود دارای شرایط لازمه که باعث تخفیف کرایه پست است نباشد حقوق پستی پاکت بآنها تعلق خواهد گرفت

**نایب رئیس** - در این ماده نظریاتی است یا نیست

آن مستوره یا جریده بدون تمبر وارد پستخانه شد و مأمورین پست غفلت کرده و آن مستوره یا جریده را بصاحبش نرسانند در واقع یک ضرر فوق العاده است که بطرف مقابل وارد میاید در این صورت بنده تصور میکنم که آقایان نباید آنقدر در این ماده مخالفت نمایند

**مقید الاسلام** - عقیده بنده اینست مستوره که تمبر ندارد ابتدا نپذیرند و اگر کسر تمبر دارد در مقابل جریمه بگیرند و تصور میکنم اگر باین ترتیب باشد بهتر است

**مخبر** - البته آقایان میدانند قوانینی که نوشته میشود یک مقدار از آن قانون باید مطابق با قانون بین المللی بشود ما این قانون را که مینویسیم فقط راجع بداخله مملکت نیست بلکه اگر چنانچه ما میخواستیم فقط این قانون را بجهت داخله مملکت خودمان بنویسیم همان طور است که میفرمائید ولی این قانون باید مطابق قانون بین المللی نوشته شود و قانونی باشد که در تمام دنیا معمول است در تمام دول آنرا قبول کرده اند و این ماده یکی از موادی است که در تمام دول قبول کرده اند در این صورت وقتی که یک نوشتهجات و مستوره جاتی بدون تمبر یا با کسر تمبر از خارج بخاک ایران میاید دولت ایران نمی تواند قبول نکند و بگوید بدون تمبر است مجبور است آنها را بصاحبانش برساند و حقوق بین المللی آنها را بپردازد و الا چطور میشود حقوق بین المللی را بدهد و از صاحبان آنها بگیرد پس باید قوانینی که وضع میشود مقداری با قوانین بین المللی موافقت کند

**نایب رئیس** - گمان میکنم مذاکرات کافی است دو پیشهاد رسیده است یکی از طرف آقای ارباب کیخسرو یکی از طرف آقای ناصر الاسلام مبنی بر اینکه این ماده حذف شود ولی گمان می کنم این پیشهاد مخالف نظامنامه داخلی باشد و حذف ممکن نباشد

**از باب کیخسرو** - در صورتی که این پیشهاد مخالف نظامنامه است اینطور هم بماند تصور میکنم اسباب خیلی اشکال خواهد شد و در شور دوم هم معطل خواهد شد تقاضا میکنم آقای مخبر این پیشهاد را رجوع بکسیون نمایند و در کمیسیون یک نظریاتی شود

**ناصر الاسلام** - بنده یک پیشنهاد دیگری خواهم کرد و تقاضا می کنم این ارجاع بکسیون بشود

**مخبر** - نمیشود بکسیون ارجاع شود بجهت اینکه شوراوش شده است

**نایب رئیس** - فصل ۲۷ قرائت میشود ( بمضمون ذیل قرائت شد )

فصل ( ۲۷ ) هرگاه جرائد و مطبوعات و مستوره جات تجارنی و اوراق کار از داخله بداخله ارسال میشود دارای شرایط لازمه که باعث تخفیف کرایه پست است نباشد حقوق پستی پاکت بآنها تعلق خواهد گرفت

**عادل الملک** - برای حقوق معمولی و مخففه در موارد ماقبل نوشته شده است و مستثنیات هم در ماده دیگر نوشته شده است دیگر این ماده در اینجا لازم نیست و مورد ندارد

**مخبر** - وقتی که جرائد و مطبوعات را به اداره پست میفرستند البته باید آن مستوره جات و مطبوعات را طوری ببندند که اداره پست بداند اینها مطبوعات و مستوره جات تجارنی است یعنی باید قابل ملاحظه باشد پس وقتیکه یک نفر مطبوعات و مستوره جات تجارنی با اداره پست می آورد اگر آنرا با شرایطی در اداره پست معین شده ببندد و در یک پاکت سر بسته بگذارد یا اینکه بخواهد سرش را لاک کند آنوقت دیگر ممکن نیست آنرا جزو مطبوعات محسوب کرد و جزو نوشتهجات محسوب میشود بجهت اینکه بکلی آن را مستور داشته در این صورت حقوق نوشتهجات از او دریافت میشود

**عادل الملک** - توضیحی که آقای مخبر میدهند ابتدا باین ماده موافقت ندارد و باین ماده دلالت ندارد برای اینکه در این ماده نوشته شده است ( هرگاه جرائد و مطبوعات و مستوره جات تجارنی و اوراق کار که از داخله بداخله ارسال میشود دارای شرایط لازمه که باعث تخفیف کرایه پست است نباشد حقوق پستی پاکت بآنها تعلق خواهد گرفت ) و این توضیحی را که آقای مخبر در این عبارت دادند ابتدا شامل حال این ماده نیست

**نایب رئیس** - در صورتی که مقصود آقای مخبر همین است پس ممکن است در کمیسیون اصلاح عبارتی بشود - فصل ۲۸ قرائت میشود

( بمضمون ذیل قرائت شد )

فصل ۲۸ - در صورتی جراید و مطبوعات و مستوره جات تجارنی و اوراق کار که مبدء و مقصد آنها در داخله مملکت است در تحت یک لاف بسته شده باشد حقوق متمله بآن عبارت خواهد بود از مجموع حقوق متمله بهر یک از اشیاء ولی هرگاه بمطبوعات صورت حساب آنها نیز منضم باشد حقوق مقرر مطبوعات نیز بآن بسته تعلق میگیرد بشرط آنکه تمام حقوقی که برای آن ادا شده افلا مساوی باشد بکمترین مقدار حقوق اوراق کار که عبارت از شش شاهی است

**نایب رئیس** - نظریاتی نیست

**حاج شیخ یوسف** - بنده از آقای مخبر توضیح میخواهم که مقصود از این عبارت که در ذیل این فصل نوشته شده ( ولی هرگاه بمطبوعات صورت حساب آنها نیز منضم باشد حقوق مقرر مطبوعات بآن بسته تعلق میگیرد ) یعنی چه اینرا توضیح بدهند که بنده نمی فهمم

**مخبر** - در فصل ۲۴ نوشته شده که از برای مطبوعات معین شده که ۱۰ مثقالی صدینار است این مقصود آن است که اگر یک کسی یک ورقه چاپی بخواهد بفرستد یک صورت حساب هم جزء آن باشد بدینیهی است که صورت حساب جزء مطبوعات نیست بصورت حساب جزء اوراق کار است و باید همان شش شاهی را بدهد مقصود اینست

**حاج شیخ یوسف** - بنده گمان میکنم که این

۱

لفظ مطبوعات این جا صلاح نیست و همان صورت حساب نوشته شود کافی خواهد بود

**نایب رئیس** - دیگر نظریاتی نیست (اظهاری نشد و ماده ۲۹ بمضمون ذیل قرائت شد)

فصل ۲۹ - پاکت متعارفی و کارتهای پستی و جرائد و سایر مطبوعات و مستورهجات تجارتی و اوراق کار که محل اصلی و مقصود آنها در داخله مملکت و در زمان تحویل بیست بقدر کفایت تبر بآنها الصاق نشده باشد از گیرنده آنها دو برابر قیمت تبرهای کسری دریافت خواهد شد

**محمد هاشم میرزا** - عرض میکنم در آن ماده آقای مخبر توضیح دادند که قوانینی که وضع میشود خصوصاً قانون پست بایستی مطابق قوانین بین المللی باشد راست است ولی در این ماده که از داخله بداخله است صحیح نیست مابین قانون را در باب کسر تبر بگذاریم خوب است آقای مخبر یک توضیحی بدهند که بنده بدانم که چرا باید دو برابر گرفته شود

**مخبر** - وقتی که از خارج مطبوعاتی بداخله مملکت ما بیاید کرایه اش که از داخله بداخله فرستاده میشود فرق میکند و حقوقش زیادتر است و حقوق هر ده مثقالی سه شاهی است و اگر کسر تبر داشته باشد باید شش شاهی بگیریم اینجا هر ده مثقال دو شاهی است و کسر تبر آن دو برابر گرفته میشود اولین ماده این مطلب تصریح شده

**محمد هاشم میرزا** - بنده از این توضیح چیزی نفهمیدم که مقصود چه بود نوشته است در داخله دو برابر گرفته خواهد شد اگر راجع بقوانین بین المللی است هیچ عنوان داخله و خارج نیاید در بین باشد و باید بنویسند از برای کسر تبر دو برابر گرفته میشود و برای بدون تبر چهار برابر گرفته میشود بهر حال این توضیحی را که فرمودند بنده هیچ مقصود ایشان را ملتفت نشدم

**مخبر** - اینجا مقصود این است که برای کسر تبر دو برابر گرفته خواهد شد چه از خارج چه باشد چه از داخله فرق نمیکند

**نایب رئیس** - دیگر نظریاتی نیست (اظهاری نشد و فصل (۳۰) بمضمون ذیل قرائت شد)

فصل (۳۰) - حقوق داخله جرائد و مطبوعات و مستورهجات تجارتی و اوراق کار که از ممالک خارجه بدون تبر میرسد از قرار ده مثقال یا کسر ده مثقال شش شاهی است مشروط بر اینکه در قرارداد های بین المللی تعیین این حقون نشده باشد

**ارباب کیخسرو** - بنده از آقای مخبر توضیح این جمله را نوشته است (مشروط بر اینکه در قرارداد های بین المللی تعیین این حقوق نشده باشد) میخوام آیا مقصودشان در تعیین این حقوق همین ده مثقال ۶ شاهی است یا حقوق دیگر است اگر مقصودشان همین حقوق باشد این عبارت این معنی را نمیرساند

**مخبر** - مقصود این است که اگر در قراردادهای بین المللی غیر از ۶ شاهی حقوق دیگری تعیین نکرده باشد و الا باید ده شاهی یا فلان مبلغ گرفت یعنی باید مطابق قانون بین المللی رفتار کرد و اگر در قانون بین المللی ذکر کردی در این باب نشده باشد آن وقت باید دو برابر که ۶ شاهی است دریافت شود

**ارباب کیخسرو** - آقای مخبر باز همان طلب

را که بنده عرض کردم توضیح دادند عرض کردم این عبارت این مقصود را نمیرساند پس باید در اینجا نوشت (مشروط بر اینکه در قراردادهای بین المللی تعیین حقوق دیگر نشده باشد)

**نایب رئیس** - این اصلاح عبارتی است در کمیسیون اصلاح خواهد شد

فصل (۳۱) پاکت و سایر مرسولاتی که با هم سفارش خوانده میشوند آنهائی هستند که فرستنده در موقع تحویل دادن آنها بیستخانه برای اطمینان رسیدن پاکت بمقصد قبض رسید از اداره میگیرد ولی مرسولات سفارشی شامل ضمانت و بیمه قیمت نخواهد بود بر پاکت و سایر اشیاء سفارشی علاوه بر حق معمولی پستی مبلغ ۱۲ شاهی بعنوان حق سفارشی تعلق میگیرد و روقه های مخصوص جواب که به کارت پستال ها ملصق و اجرت آنها قبل از وقت تادیه شده بتوسط فرستنده آن اولیه آنها سفارشی نمی شوند

**مدرس** - این عبارت شامل را خوب است معنی کنند یعنی چه؟

**مخبر** - ملتفت نشدم دوباره بفرمائید

**مدرس** - این عبارتی که در اینجا نوشته است (شامل) این مطلب را فرا نمیگیرد گمانم این است که باید لفظ (مشمول) نوشته شود لفظ شامل صحیح نیست

**منتصر السلطان** - در اینجا در واقع تصریح شده است که مرسولات سفارشی شامل ضمانت و بیمه قیمت نخواهد بود معنای آن اینست یعنی اگر یک پاکتی را که یک کسی سفارش میکند در آنجا (نوت) بانک یا نصد تومانی بگذارند و اظهار نکنند که این چه چیز است و بیمه نکرده باشد و نکسود توی پاکت سفارشی من نوت بانک بوده در اینصورت دولت ضامن آن وجه نیست و همان اندازه که در این قانون تصریح شده برای پاکت سفارشی مقفود شده داده شود داده خواهد شد مگر بیمه کرده باشند اگر بیمه کرده باشند شامل حال آنها میشود

**عدل الملک** - همان اصلاح عبارتی را که آقای مدرس فرمودند صحیح است (مشمول ضمانت) باید نوشته شود

**نایب رئیس** - در شور دوم اصلاح میشود ماده (۳۲) قرائت میشود

فصل (۳۲) پاکت ممکن است مطابق قیمت اظهار شده محتوایش بیمه شوند و در اینصورت علاوه بر اجرت مقرره پاکت حقوق بیمه نیز بآنها تعلق خواهد گرفت تعیین جنس و اکثر مبلغی که ممکن است به عنوان بیمه قبول شوند با دولت است

**نایب رئیس** - نظریاتی هست

**سردار معظم** - تعیین جنس را ممکن است واگذار بنظر دولت کنند ولی مبلغ بیمه را بهتر آن است معین کنند که طرف بدانند در مقابل یک تومان چقدر حق بیمه باید بدهد اینطور بنویسند بی اشکال خواهد بود

**مخبر** - عجلتاً در این ماده گمان می کنم در این مطلب وارد شویم بجهت این که اولاً بایست مبلغ آن را دولت معین کند و ثانیاً نظامنامه ای برای اینکار ترتیب داده میشود بجهت

اینکه ممکن است صد تومان را یک قیمتی گرفت و یا صد تومان را کمتر گرفت و حق بیمه هزار تومان را بترتیب دیگر معین نموده این ترتیب باید بتصویب دولت دو موقع لزوم معین شود عجلتاً نمیتوانیم وارد این کار بشویم

**ارباب کیخسرو** - بنده هیچ فرمایش آقای مخبر را ملتفت نمیشوم این مسائل تماماً مسئله مالیه است چطور میشود بعضی از قسمت ها را دولت معین کند و یک قسمت دیگرش را مامعین کنیم در موقعی که قانون وضع میشود باید تمام مطالب کاملادر خود قانون معین شود و آنچه راجع بمسئله مالیه است در اینجا معین و تصویب شود

**معاون** - بله بنده همانطوریکه آقای ارباب کیخسرو فرمودند موافقم که از نقطه نظر مالیه البته باید از مجلس بگذرد و اینکه در این قانون نوشته نشده است علت خارجی داشته چنانچه خاطر آقایان مسبوق است فعلاً اینطوریکه مقصود دولت است اداره پست مرتب نیست و نمیدانند در بیمه اشیاء چه اتفاق می افتد و چه تغییر پیدا میشود برای اینکه بعد از گذشتن این قانون همان طور که در فصل این قانون

نوشته شده است اداره پست بایستی حمل و نقل مرتب منظمی پیدا کند اداره پست تصور کرده است که آنچه را فعلاً در باب بیمه دریافت میکنند یک مبلغ گزافی است و این هم بواسطه نبودن راه و نبودن وسائل حمل و نقل و بواسطه نبودن امنیت است بعد از اینکه توانست لوازم حمل و نقل را درست مرتب بکند آن وقت یک قیمت سهل و مناسب و معتدلی گرفته شود باین لحاظ در این قانون نوشته نشده و موقوف بنظامنامه شده است فعلاً اگر نظر آقایان در این باشد که در این قانون معین شود ممکن است آن (تا کس) که امروز میگیرند یعنی قیمتی که امروز معمول است در این قانون بنویسیم بطور موقتی بگیرند تا اینکه ترتیبی در این کار داده شود

**سردار معظم** - البته آقای معاون وزارت

پست و تلگراف تصدیق خواهند فرمود قوانینی که مقامات مقننه بنویسند فقط برای رفع احتیاجات فعلیه است و برای مقتضیات مملکت است و تمام قوانینی که وضع میشود قابل تغییر هم خواهد بود پس وقتی که ما قانون مینویسیم یعنی نظر و وسائلی که داریم مبنویسیم یعنی همان گاری را همان دو چرخه ها که هست فرضاً اگر راه آهن پیدا کنیم البته تغییر خواهد کرد پس یک قسمت از فرمایشات آقای معاون که میفرمایند بواسطه نبودن اسباب کار و عدم امنیت راهها چیزهای دیگر تعیین نشده عرض کردم قابل تغییر است ولی یک قسمت دیگر از فرمایشاتشان را تصدیق دارم و به همین جهت عرض کردم که تعیین جنس را در قانون نباید بکنیم و بیک وسائل دیگری ممکن است ترتیبی برای آن معین کرد و آن ترتیب این است که بنظر اداره پستخانه و واگذار کنیم اما دیگر هیچ جهتی نمی بینم که قیمت و حق بیمه که دولت اخذ میکند در قانون معین نشود آقای مخبر میفرمایند ممکن است صد تومان را یک حق بیمه بگیرد و از صد تومان بیلا یعنی یا نصد تومان را یک نوع دیگر و هزار تومان را یک مبلغ دیگر عرض میکنم هر طور بخواهند بگیرند ممکن است عین همان مبلغ را در این قانون تصریحاً بنویسند و دوباره تکرار میکنم

تعیین جنس را باید با اداره پست و واگذار کنند زیرا اگر با اداره پست و واگذار نشود ترتیب دیگری پیدا خواهد کرد که مقصود تغییر میکنند ولی قیمت بیمه باید در قانون معین شود و تمینی میکنم که یک ترتیبی بدهند و هر چه در این قانون نوشته شده است بموقع اجرا گذاشته شود و تقاضا میکنم این فصل را راجع بکمیسیون بفرمایند در کمیسیون یک تجدید نظری بشود شاید خودشان هم متقاعد شوند که باین ترتیب بهتر است

**معاون** - صحیح است همانطوری که فرمودند باید یک ترتیبی معین بشود و از مجلس بگذرد حالا که نمایندگان محترم نظرشان باین است و لازم میدانند در قانون معین شود این ماده را بکمیسیون ارجاع فرمایند تا در آنجا اصلاح شود

**نایب رئیس** - بکمیسیون فرستاده می شود و برای شور دوم مطالبی که ذکر شد ضمیمه می شود فصل (۳۳) قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

فصل (۳۳) برای هر یک پاکت بیمه شده یا سفارشی یک قبض رسید در زمان تحویل دادن به پستخانه فرستنده داده میشود و در زمان توزیع رسید از گیرنده اخذ میگردد پس از تحویل اشیاء سفارشی یا بیمه شده بصاحبان آن و گرفتن رسید دیگر بهیچوجه پستخانه مسئولیتی ندارد گیرنده این قسم پاکت میتواند تقاضا کند که پاکتش در پستخانه باو داده شود و در حضور شهودی که خود او تعیین میکند باز شود

**نایب رئیس** - نظریاتی نیست (مخالفتی نشد)

فصل (۳۴) بمضمون ذیل قرائت شد

فصل (۳۴) پاکت و سایر اشیاء مرسوله ممکن است بر حسب خواهش فرستنده توسط حامل مخصوص بگیرنده داده شود باین قسم مرسولات علاوه بر حقوق مقرره یک اجرت مخصوص بنسبت جنس آنها تعلق میگیرد که تعیین مقدار و شرایط با اداره پست است

**نایب رئیس** - نظریاتی نیست (اظهاری نشد)

فصل ۳۵ خوانده میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

فصل (۳۵) فرستندگان مرسولات سفارشی یا بیمه شده یا مخصوصه که در داخله مملکت توزیع میشود در موقعی که مرسولات مذکوره را بیستخانه تحویل میدهند میتوانند خواهش نمایند ملتسه با مضای گیرنده پس از تسلیم گرفته و بآنها داده شود در اینصورت باید مبلغ شش شاهی قبل از وقت از این بابت به پستخانه بپردازند برای تحقیقات در خصوص اشیاء سفارشی یا بیمه یا مخصوصه که از داخله بداخله ارسال میشود نیز همین مبلغ شش شاهی باید ادا شود و این در صورتی است که نرخ معین ملتسه پرداخته نشده باشد

**نایب رئیس** - ملاحظاتی نیست

**سردار معظم** - بنده مرسولات مخصوصه را نفهمیدم ممکن است توضیح بفرمایند

**مخبر** - مرسولات مخصوصه یک چیزی است که عجلتاً در ایران معمول نیست شاید بعد ها اداره پست آنرا دائر کنند مرسولات مخصوصه همین نوشتهجات رسمی است منتها این است بین مرسولات سفارشی و معمولی است که برای آن فرستنده پاکت علاوه حق معمولی پستی شش شاهی اضافه میدهد که

این پاکتش را اداره پست بفرش برساند تقریباً مثل سفارشی است ولی سفارشی خواهد بود که اداره حق الضمانه برای کم شدن آن نگرفته

**ارباب کیخسرو** - این قسمت اخیر که می نویسند (برای تحقیقات در خصوص اشیاء سفارشی یا بیمه یا مخصوصه که از داخله بداخله ارسال میشود خوب است توضیح بدهند که این تحقیقات چه قسم تحقیقاتی است

**مخبر** - پاکت وقتی که سفارشی میشود دو نوع است یک نوع سفارشی دوقبضه است و یکی یک قبضه یک وقت یک پاکتی با کتی با اداره پست می دهند و می گویند سفارشی دوقبضه میکنم در این صورت اداره پست مجبور است از گیرنده پاکت یک قبض رسید بگیرد و برای فرستنده باورد سفارشی یک قبضه آنت است که سفارش میکند و حقوقش را میدهد از طرف هم قبض رسید می گیرند ولی آن قبض را فرستنده نمی دهند این سفارشی یک قبضه است در این صورت ممکن است یک پاکتی نرسیده باشد یا این که جواب آن طول کشید، باشد بر حسب خواهش فرستنده اداره پست یک تحقیقاتی میکند که به بیند چه شده است که تا بجا نرسیده آتوقت اداره پست یک ورقه تحقیق می فرستد از هر پستخانه که این پاکت گذشته باشد آن پستخانه مجبور است اطلاعاتی که از ورود و حرکت آن پست دارد که در چه تاریخ وارد و در چه تاریخ حرکت کرده در آن ورقه می نویسد تا معلوم شود این پاکت در چه نقطه مقفود شده و در کجا سرقت شده است پس از آن که این ورقه بدفتر مقصود رسید و تمام اطلاعاتش کافی شد اگر بطرف مقابل رسیده است او هم امضاء میکند و آنرا برمی گرداند و فرستنده می دهد مقصود از تحقیقاتی که در اینجا نوشته شده است اینست

**سردار معظم** - بنده کم کم دارم معتقد می شوم بعقیده همکار خود آقای حاج شیخ اسدالله که در این قانون دقت نشده است خود مخبر توضیح فرمودند که مرسولات مخصوصه یک چیزی است که هنوز در ایران معمول نشده است و با این توضیحی که آقای مخبر دادند هیچ اسمی از مرسولات مخصوصه نبرده اند و وجود آنرا در این قانون معین نکرده اند و باینکه وجود آنرا معین کرده اند ما میخوایم برای فرستنده آن تکلیفی معین کنیم اگر این ماده را لازم میدانند باید قیلاً تعیین کنند که مرسولات مخصوصه عبارت از چیست و دارای چه شرائط و ترتیب است باید باشد آتوقت حقوقی که باید اخذ شود معین کنند پس در صورتی که این نکات را معین نکرده اند و کاغذی که هنوز ترتیب آن معین نشده است یعنی خود قانونگذار معتقد بوجود آن کماخذ در این قانون نشده و حالاً هم در ایران وجود ندارد آتوقت بجهت فرستنده آن تکلیف معین کردن چیز غریبی است

**معاون وزارت پست و تلگراف** - بنده نانیاً بجواب فرمایشات آقای سردار معظم توضیحی میدهم میفرمایند مرسولات مخصوصه کدام است مخصوصه یعنی پاکتی که بفرش باید برسد اداره پست برای این نوع پاکت می خواهد ترتیبی اتخاذ کند و چون هنوز این ترتیب در ایران معمول نبوده اداره پست می خواهد برای این قبیل پاکت یک ترتیبی بدهد و یک دفتر مخصوصی داشته باشد و یک عده فراش برای این نوع پاکت بگذارند

**نایب رئیس** - این قسم نوشته شود (آنهائی که در زمان ارسال ابتدا تبر روی آنها الصاق نشده باشد اداره پست قبول نخواهد نمود) (ناصر الاسلام)

**نایب رئیس** - آقای مخبر قبول دارند یا خیر

**مخبر** - خیر

**محمد هاشم میرزا** - در ماده ۲۶ که گذشت و مخبر توضیح دادند آخرین دلیلی که آوردند این

بود که فرمودند چون قوانین بین المللی و یستی این طور است لهذا ما هم مجبوریم آنرا قبول کنیم محض اینکه ایراد آقای مخبرواردنیاید بنده قبول کردم که در این ماده نسبت به رسولاتی که از داخله بخارج و از خارجه بداخله فرستاده خواهد شد این مطلب را قبول کنم ولی نسبت به رسالات داخله بداخله قبول نکنم قبول میفرمائید بسیار خوب والا توضیح بدهند تا بنده متقاعد شوم .

**معاون** - بلی خیلی است که در این ماده دو نظر است بعضی از آقایان میفرمایند که ما نمیتوانیم ضرر اداره پست را به بنیم که اینطور رسالات را قبول کند و اگر طرف امتناع کرد چیزی نگردد بعضی می فرمایند ما نمی توانیم تحمل کنیم که از یک کسی چهار برابر گرفته شود بنده متحیرم جواب کدام يك از این دو مطلب را که ضدم هستند بدهم وهرچه فکر میکنم نمیتوانم علت آنکه در این باب میخواهند مخالفتی بشود چه چیز است عرض کردم اگر میل دارند همانطور که در باب دو برابر در روز پیشنهاد شد در اینجا هم این جمله ضمیمه شود ( در صورتی که گیرنده طالب باشد ) چهار برابر را بدهد نمیتوانم چرا باید ممانعت کرد از اینکه کار مردم سهولت بگذرد اداره پست منحصر بشهر طهران تنها نیست مثلا حسن آباد دفتر پست دارد بنکی امام پست دارد مثلا بکنفر می خواهد از يك دهم مستوره یا نمونه گندم خود را برای خریدار بشهر بفرستد مبادر اداره دفتر پست میدهد تمبر نرده است طرف مقابل هم بمانت قبول میکنند و دو مقابل را میدهد و این نمونه گندم را که انتظار دارم بگیرد در صورتی او مایل و طالب است و قبول میکند و حقوق پست را می پردازد این چه مخالفتی است اداره پست هم نظریات خودش را در این موضوع کرده اگر چنانچه ضرری برای خودش میدید پیشنهاد نمیکرد در موضوع چهار برابر هم همین طور است میتواند قبول کند میتواند امتناع کند علت ممانعت چیست این قبیل اتفاقات در این مملکت بخصوص در ولایات خارج زیاد میافتد چرا باید ممانعت کرد که کسی نتواند شئی خودش را بفرستد بسا هاست يك کسی از فلان محل یا فلان ده يك چیزی بیستگانه آورده و هیچ نمیداند چقدر تمبر باید بخورد و پول هم ندارد پست هم در شرف حرکت است آیا میفرمائید دفتر پست آن را نگیرد و بگوید خودتان ببرید برسانید خیر قبول میکند و حمل میکند اگر طرف مقابل قبول کرد چهار مقابل میدهد و اگر قبول نکرد ضرری وارد نیامده بنده هیچ جهت مخالفت را در این باب نمیتوانم چیست

**حاج عز الممالک** - در روز همین مطلب در خصوص پاکت پیشنهاد شد و قابل توجه نشد نمیتوانم حالا ممکن است که پیشنهاد شود یا خیر - بهر حال اهمیت ندارد و در این موضوع داخل نمیشوم ولی میخواهم عرض کنم با توضیحاتی که آقای معاون دادند هیچ مانعی نخواهد بود که این نوع رسالات حمل شود در صورتی که طرف مقابل قبول کرد این پولی را که قانون معین کرده بدهد

**نایب رئیس** - آقای مدلل الدوله بایشهاد مخالفید

**مدلل الدوله** - خیر با پیشنهاد موافقم و عرض میکنم آن مقصودی که مجلس دو برابر را برای پاکت قبول کرد اینجا آن مقصود در بین نیست مقصود از قبول پاکت که تمبر ندارد رعایت اشخاص است که گاهی يك گرفتاری پیدا میکنند و پول ندارند و میخواهند يك پاکت را بدون تمبر بفرستند گفتم اداره پست این قبیل پاکت را قبول کند ولی برای اینکه این آدم هادی نشود و کلیتاً عادت باین مسئله جاری نشود گفتم دو برابر بگیرند که از این مطلب جلوگیری شود و مقصود از آن ماده این بود که جلوگیری شود و بدون تمبر فرستاده نشود و اینجا راجع است به مستوره جات و جراند چنانچه قبلا هم عرض کردم این قبیل اشیاء را باید ببرند در اداره وقتی که بردند اداره میتواند قبول نکند و پول تمبر را از آنها بگیرد و يك بار گرانی را بی ماخذ حمل نکند که طرف مقابل قبول نکند و بر گرداند این مطلب چه لزوم دارد و همین که آقای ناصر الاسلام پیشنهاد کرده اند بنده هم کمال موافقت را دارم که در موقع دادن این رسالات به پستخانه حکماً تمبر کنند

**مخبر** - عرض میکنم اگر این مستوره جات را بداره پست بیاورند البته اداره پول آنرا خواهد گرفت ولی این جبهه های پستی که در محلات گذاشته شده دو محل دارد يك محل از برای انداختن پاکت است یکی از برای انداختن مستوره جات و مطبوعات و امثال آن که جای همه قسم این اشیاء را دارد حتی ( ۴۰۰ ) مثقال و هزار مثقال هم که باشد میتواند جا بدهد اگر بصندوق انداختند در این صورت تکلیف اداره پست چه خواهد بود وقتی که آمد و در صندوقها راباز کرد و آن مستوره جات را بیرون آورد چه باید بکند مال مردم را ببرد در بریزد و این کار را که نمی شود کرد تملاوله در صورتی که ما بطرف که گیرنده است حق میدهم و می تواند امتناع کند و در دیگر تصور میکنم محظوراتی در اینکار نباشد

**نایب رئیس** - گمان میکنم مذاکرات کافی است - در پیشنهاد آقای ناصر الاسلام رای میگیریم

آقایانی که موافقت و آنرا قابل توجه میدانند قیام نمایند (عده قلیلی قیام نمودند )

**نایب رئیس** - قابل توجه نشد پیشنهادی راجع بفض ( ۳۵ ) رسیده قرائت میشود . (بمضمون ذیل قرائت شد )

فرستندگان مرسولات سفارشی یا بیمه شده یا مرسولات فوری ( در صورتی که اداره پستخانه این قبیل مرسولات را بپذیرد الی آخر ماده ) (عبدالحسین سردار معظم)

**نایب رئیس** - آقای سردار معظم توضیحاتی دارد .

**سر دار معظم** - توضیح همان است که عرض کردم .

**مخبر** - بکمیسیون بفرستند در آنجا يك نظری بشود .

**نایب رئیس** - بکمیسیون فرستاده میشود بکریع تنفس است

(در ایندو موقع حضار برای تنفس خارج شده پس از ۱۵ دقیقه مجدداً در تحت ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید )

**رئیس** - ماده ( ۳۶ ) قرائت میشود . (بمضمون ذیل قرائت شد )

**فصل ( ۳۶ )** اداره پست بانصوب دولت اجرت و حقوقی را که از بابت فقرات ذیل باید برای دخل دولت دریافت گردد و همچنین شرایط راجعه بانرا معین خواهد نمود

اولاً مسافرتین و بنه آنها

**رئیس** - در فقره اول ملاحظاتی هست یا نیست

**حاج شیخ حبیب الله** - لفظ ( برای دخل دولت ) برای چه معین شده مطلقاً هم کافی است که بنویسند اداره پست معین خواهد کرد دیگر لفظ ( برای دخل دولت ) لزومی ندارد .

**معاون** - قبول میشود و این لفظ بر داشته خواهد شد .

**رئیس** - در فقره اول معلوم میشود مخالفی نیست (فقره دوم بمضمون ذیل قرائت شد )

ثانیاً - امانات سریع السیر و امانات بطئی السیر

**رئیس** - در اینجا هم ملاحظاتی نیست .  
**سر دار سعید** - این امانات سریع السیر بطئی السیر در اروپا معمول است ملاحظه اینکه باراه آن مسافرت میکنند یا با کاری حمل میکنند و تفاوت قیمتی دارد اینجا تماماً با کاری حمل میشود سریع السیر و بطئی السیر را نمیتوانم یعنی چه

**مخبر** - اینجا هم تفاوت دارد امانات سریع السیر این است که بطریق پستی فوراً حرکت میدهند امانات بطئی السیر را اداره پست مجبور نیست حتماً بطور پستی چند روزه برساند ممکن است بعد از چند روز حرکت بدهد و امانات بطئی السیر اماناتی خواهد بود که اگر امانات دیگر وزن تر و بزرگتر است این است که بطئی السیر نوشته شده است

ثالثاً مرسولات بیمه شده  
**رئیس** - ایرادی هست یا نیست - ( مخالفی نشد و فقره چهارم بمضمون ذیل قرائت شد )

راهماً - بروات پستی (مانند پست )  
**رئیس** - در اینجا هم ملاحظاتی نیست  
**حاج شیخ یوسف** - از جناب مخبر استیضاح می کنم که چه جهت دارد که اینجا لفظ فارسی را

بفرانسه تفسیر کرده اند با این که حاجت باین مسئله نیست

**رئیس** - استیضاح نمائینده از نماینده معزوم است

**مخبر** - عبارت فارسی آن هم نوشته شده است

**رئیس** - فقره پنجم قرائت میشود ( بمضمون ذیل قرائت شد )

خاصاً کرایه جبهه های شخصی که در دفتر پست موجود است و برای جمع شدن مواصلات مستعمل است اجرت و حقوقی که از بابت فقرات مذکور باید دریافت شود در روزنامه رسمی مملکت اعلان خواهد شد اداره پست شرایط تحویل و توزیع مرسولات بیمه شده و سفارشی و مخصوصه و بروات پستی را معین خواهد کرد

**حاج شیخ حبیب الله** - این قانون عبارات مکرر خیلی دارد بعضی کلمات در بالا نوشته شده و در ذیل هم تصریح شده است در اول ماده اجرت و حدودی برای فقرات ذیل معین نمود دیگر در اینجا تکرار لازم نیست بنده عرض میکنم عبارت باین طریق نوشته شود ( اداره پست بانصوب دولت اجرت و حقوق و شرایط را معین خواهد نمود و در روزنامه رسمی اعلان خواهد شد ) اینجا تامل مکررات است

**رئیس** - اینجا تماماً اصلاح عبارتی است بایشهاد کنید بدهید به بنده میفرستم بکمیسیون اصلاح میشود

**حاج شیخ یوسف** - از جناب مخبر استفسار میکنم که در اینجا نوشته شده است کرایه جبهه هابنده از جبهه هائی که در اینجا نوشته شده هیچ مسبوق نیستند و نمیتوانم چیست خوب است توضیح بدهند تا بدانم چیست

**مخبر** - بر حسب قاعده وقتی که پست از يك محلی وارد میشود نوشتهجات بین فراشا تقسیم میشود که آنها را بصاحبانشان برسانند ولی اداره پست يك ترتیبات دیگری را اتخاذ کرده در پستخانه جبهه هائی میسازد عیناً مثل جبهه هائی است که در آن اطاق مجلس گذاشته شده بگطرف آن به اداره پست است و يك طرف رو بخیابان اشخاصی که مایل نیستند نوشتهجات آنها را فراش پست ببرد و شاید فراش پنجاه یاصد پاکت دارد که باید بصاحبانش برساند و دیرتر می رسد بنابراین موقعی که پست وارد میشود تمام نوشتهجات آن شخص را در آن جبهه که اختصاص بآن شخص دارد میکنند و آن شخص خودش یا آدمش میآیند و نوشتهجات خود را میبرند و يك کلید یش خود آن شخص است و يك کلید در اداره است که از آن طرف جبهه را باز میکنند و نوشتهجات را میکنند و صاحبش هر وقت میل داشته باشد و هر ساعتی که بخواهد میتواند بیاید و بدون اینکه از دست فراش بگیرد پاکتهای خودش را بردارد و پست و اداره پست برای آن جبهه ها که راجع به اشخاص معینی است در سال يك حقی میگیرد

**سر دار سعید** - اینطور جبهه هائی که میفرمائید الان هم موجود است بلی اما چون تکلیف فراش پست اینست که پاکت ها را بصاحبانش برساند بنده گمان میکنم دیگر يك اجرت زیادی نباید در

اینجا رای این جبهه ها معین شود

**مخبر** - اولاً صاحب پاکت مجبور نیست این مطلب را قبول بکند

ثانیاً اداره پست بر حسب خواهش صاحب پاکت این جبهه را میسازد و خرجی متحمل میشود و آن خرج به اداره پست مربوط نیست این چیزها بادر خواست صاحب پاکت ساخته میشود و اداره پست يك بخارجی برای ساختن این جبهه ها متحمل میشود و يك حقی میگیرد اجباری نیست

**رئیس** - ماده ( ۳۷ ) قرائت میشود ( بمضمون ذیل قرائت شد )

**فصل ۳۷** - حقوقی که گیرندگان مرسولات پستی به پستخانه میدهند باید قبل از دریافت مرسول ادا نمایند گیرندگان مرسولات میتوانند در موقعی که مرسول نزد آنها بوده میشود از قبولش امتناع کنند ولی مشروط بر اینکه از محتویات آن مطلع نشده و سرش را باز نکرده باشند بعضی این که مرسولاتی بیستخانه تحویل داده شد قیمت تمبر که روی آن الصاق شده است عاید خزانه دولت میگردد

**حاج شیخ حبیب الله** - ( حقوقی را که بیستخانه میدهند ) این دین از کجا است باید این طور نوشته شود ( در صورتی که قبول نمایند قبل از آنکه آن مرسول را باو بدهند ) شاید قبول نکرد چیزی را که قبول نکرد دین بر او اطلاق نمیشود ( فصل ( ۳۸ ) بمضمون ذیل قرائت شد )

**فصل ( ۳۸ )** - اداره پست تمبرهای پستی و کارتهای پستی و پاکت و نوارها که علامات حقوق پستی هستند بقیمت های مختلفه طبع و نشر مینماید اداره پست می تواند حدی برای مدت اعتبار تمبر و کارتهای پستی و پاکت و نوارهای پستی تعیین نماید ومدت و شرایط تأدیه قیمت یا معاوضه آن ها را معین نماید .

**حاج شیخ اسدالله** - در این موضوع در جلسه گذشته صحبت شد که طبع تمبر و تعیین قیمت راجع بداره پست نیست و از وظایف دولت است برای این که راجع بمالیه مملکت است و باید بطوریکه در قانون تشکیلات مالیه نوشته شده است این اختیار را بداره محاسبات بدهند بکلی این جا زیادی است دولت خودش طبع میکند و از مجرای خودش بیستخانه تحویل میگیرد و رسیده میگردد .

**معاون** - بله همینطور که فرمودند در روز مذاکره شده و يك توضیحی هم عرض شد ولی حالا عرض می کنم این مطلب در روز نیست مطلب دیگری است و گمان میکنم اختیار آن با اداره پست است برای اینکه اداره پست باید علامات پستی را معین کند تمبر پست و شکل تمبر و اقسام تمبر و اینکه تا چه مدت اعتبار خواهد داشت اینها تماماً از وظایف معتصه اداره پست است اما در باب جمله اول در روز توضیح دادم و تصور میکنم که امروز محتاج بتوضیح نباشد اداره پست خود دولت است اگر دولت لازم بداند علامت و نشانه ها و طبع تمبر را بوزارت مالیه میدهد و وزارت مالیه باور جوع میکند بنده هیچ عیبی در این نمی بینم .

**رئیس** - آقای حاج شیخ حبیب الله فرمایشی دارید .

**حاج شیخ حبیب الله** - مقصود بنده هم همان است که آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند .

**نظام السلطان** - بنده در اینمطلب که فرمودند اداره پست علامت تمبرهای پاکت را خودش معین میکند عرضی ندارم و حق خود پستخانه است ولی راجع بفضل دیروز که طبع تمبر و قیمت آن که فرمودند باید در تحت اختیار اداره پستخانه باشد و پستخانه هم جزو ادارات دولت است بلی اداره پست اداره دولتی است ولی مسئله تمبر چون از حقوق معتصه مالیه است باید دولت خودش مستقیماً در این کار دخالت کند .

**حاج شیخ اسدالله** - اینجا نوشته است اداره پست می تواند حدی برای مدت اعتبار تمبر معین کند اعتبار و بی اعتباری تمبر با دولت است و بوزارت مالیه است و راجع بداره پستخانه نیست اداره پست میتواند نونه بوزارت مالیه بدهد و وزارت مالیه مطابق دستور العمل اداره پست آن تمبر و کارت ها یا پاکت را طبع کند و تحویل اداره پست بدهد اما مدت اعتبار آنها راجع بدولت و مالیه مملکت است هر زمان که صلاح میدانند اعتبار باین تمبر را میدهند و هر زمان صلاح میدانند این اعتبار را بر میدارند و مانعی نمیتوانم این وظایفی که مختص وزارت مالیه است بداره پست بدهیم که هر وقت میخواهد بگیرد معتبر نیست باید وزارت و هر وقت میخواهد بگیرد معتبر نیست باید وزارت مالیه این کار را معین کند نادره پستخانه

**رئیس** - فصل ( ۳۹ ) قرائت میشود ( بمضمون ذیل قرائت شد )

**فصل ( ۳۹ )** - دولت می تواند اجازه حمل مجانی بمکاتبات اداراتی بدهد که متضمن منافع عمومی است .  
تعیین حدود و شرایط عمل فوق نیز با دولت است

**حاج شیخ حبیب الله** - اینجا می نویسد دولت می تواند اجازه حمل مجانی بمکاتبات اداراتی بدهد که متضمن منافع عمومی است باید این حق را بتمام اشیاء که دارای منافع عمومی است بدهند این خودش برای چیست .

**مخبر** - این پاکتی را که دولت می تواند اجازه بدهد پاکت اداراتی که دارای منافع عمومی مثل اداره حفظالصحه البته اداره حفظالصحه وقتی که میخواهد راپورت خودش را بولایات بفرستد که تمام مطلع باشند نباید بداره پست پول بدهد یا مثلاً همینطور طبیسهائی که در ولایات معین شده اند از آن جاها باید رایرتی بداره حفظالصحه بدهند اگر بخواهند پول بدهند البته منافی با مصالح عمومی خواهد بود مقصود از اینماده اینست که اگر از این قبیل اتفاقات بیفتد دولت مجاز باشد حمل آن ها را بطور مجانی اجازه بدهد .

**حاج شیخ حبیب الله** - عرض میکنم این هلتی که فرمودند هلت حصر نمی شود ممکن است همینطور که در این جزه نمایندگان اجازه میدهند در سایر منافع عمومی هم اجازه بدهند

باب سوم مسئولیت

**فصل ( ۴۰ )** اداره پست مسئول کلیه جوهری هست که بجهت بروات پستی باو داده شود  
**رئیس** - مخالفی نیست ( مخالفی نشد )



( مخالفتی نشد و فصل ۴۶ بضمون ذیل قرائت شد )  
 فصل ۴۶ - اداره پست بجهت اموریکه باو سیرده شده است مسئولیت بمده نمیکرد مگر بان مقداری که درفصول (۴۰) (۴۱) (۴۳) (۴۴) و (۴۵) این قانون تصریح شده است ولی درخصوص حمل مسافرین و بنه آنها مسئولیت اداره پست بموجب نظامنامه مخصوص معین خواهد شد

رئیس - در این ماده هم ملاحظاتی نیست  
 فصل ۴۷ خوانده می شود ( بضمون ذیل قرائت شد )  
 فصل ۴۷ - تمام حقوق و غراماتی که راجع برسولات داخلیه بداخله است باید در ظرف یکسال کالبدی آن روز تحویل امانات و مرسولات به پستخانه است مطابقه شود پس از انتضای یکسال تمام حقوق ساقط میشود

حاج شیخ حبیب الله - در اینجا نوشته است کدر ظرف یکسال مطالبه حقوق میشود و بعد از یکسال حقت ساقط میشود این یک قیدی لازم دارد در صورتی که از مطالب باخبر شده یا مثلا صغیر نباشد شاید برای یک کسی اتفاق افتاد یا مرد یا جنون پیدا کرد یا اسبابی فراهم شد که نتوانست مطالبه کند آنوقت مال مردم و مال صغیر از میان میرود بلی اگر کسی عاقل و بالغ باشد و مسجون هم بشود صحیح است پس این قید باید بشود که در اینصورت این قبیل اشخاص باید پس از یکسال از حقتان چشم پیوشند اما برای حق صغیر و مجنون میشود این ماده اجرا شود

مخبر - برای این قسم اشخاص قیم شرعی موجود است میتواند مطالبه کند

حاج شیخ حبیب الله - این در صورتی است که همه مردم قیم شرعی داشته باشند همه مردم همیشه قیم شرعی ندارند و قیمها هم کوی باین کارها میرسند یا فرضا در یک مکانی که قیم نیست باید حقوق خودشان را مطالبه بکنند

ارباب کیخسرو - بنده راجع بانقسم نظری داشتم اینجا نوشته اند که اگر در ظرف یکسال مطالبه نکرد حقت ساقط میشود ولی تا بحال کرا را دیده شده است که زیادتر از یکسال هم مطالبه شده است و دولت موفق با داء آن نشده است در اینصورت این شرطی است خوب است این را توضیح بفرمایند

مخبر - آن راجع بخرانه دولت خواهد بود تکلیف اداره پست نیست بجهت اینکه اداره پست مجبور است که این پول را بخرانه دولت حواله بکند اگر خزانة دولت در اداء آن تسامحی بکنند مسئولیتی با اداره پست نخواهد بود

حاج شیخ حبیب الله - بنده پیشنهاد میکنم که این کلمه پس از انتضای یکسال تمام حقوق ساقط میشود حذف شود

رئیس - بسیار خوب پیشنهاد نمائید (فصل ۴۸) بضمون ذیل قرائت شد

فصل (۴۸) دعاوی و مطالبات حقوق راجع به پست در محکمه های قضاوت متعارفه قبض داده خواهد شد

حاج شیخ حبیب الله - محاکم متعارفی یعنی چه خوب است نوشته شود در محاکم شرعیه در عدلیه و غیره محاکم متعارفه معنی ندارد

مخبر - تمام این دعاوی که هست راجع بملیه نخواهد شد بجهت اینکه بعض دعاوی راجع باتباع خارجه میشود و لازم است در محکمه وزارت خارجه محاکمه بشود باینجهت محاکم متعارفه نوشته شده است که بهر دو اطلاق شود هم عدلیه و هم وزارت خارجه

رئیس - مقصود محاکم معموله بوده است  
 مخبر - بلی

(فصل ۴۹ بضمون ذیل قرائت شد)  
 فصل ۴۹ - ژاندارمری و حکام ولایات و رؤسای فراسور آنها و بطور کلی تمام مستخدمینی که از طرف وزارت داخله اجازه دارند در حدود اختیاری که بآنها داده شده است مأمور حفظ امنیت شوارع پستی در قلمرو خود هستند هر گاه در بین راه غلامان پست دچار سارقین شده و اشیاء پست توسط مردمان خارج از اداره یاغصب و غارت شود حکام و رؤسای ژاندارم و فراسورانها اقدامات لازمه تعقیب مرتکبین و سارقین بعمل خواهند آورد تا وسایل اجرای مندرجات فصول ۴۰ و ۴۱ و ۴۲ و ۴۳ برای اداره پست فراهم شود

محمد هاشم میرزا - بنده تصور میکنم این مطلب راجع بقانون وزارت داخله باشد چنانچه قانونی برای وزارت داخله یا ادارات دیگر نوشته شود باید این مطلب هم نوشته شود در قانون پستی اگر بخواهیم متمسک باین قبیل مواد بشویم ممکن است یا نصد ماده دیگر هم نوشته شود این مطلب برای حکام و اداره ژاندارمری و غیره باید نوشته شود در اینجا خارج از موضوع است

معاون - چون تاکنون قانونی از مجلس راجع بوزارت داخله و ژاندارمری نگذشته است اینجا نوشته شده و الا بنده با فرمایش آقا مخالفتی ندارم و تصدیق دارم که اینکار یکی از وظایف ژاندارمری و وزارت داخله و فراسورنهای دولتی است ولی فعلا چون این قانون از مجلس میکندرو باید بموقع اجرا گذارده شود بنده گمان میکنم بودن این ماده خیلی لازم باشد برای اینکه هر وقت اداره پست محتاج شود بموجب همین قانون از مأمورین دولت تقاضا کند که با او مساعدت بکنند و هیچ ضرری هم در بودنش در اینجا نیست

محمد هاشم میرزا - تکالیف راجع به فراسوران قبلا در قانون وزارت داخله از مجلس شورای ملی گذشته و در آنجا تکالیف زیادی برای آنها بجهت تعقیب سارقین معین کرده اند و بعد باز اگر مطلبی لازم شود باید در آن قانون اضافه شود اگر ایرادی داشته باشیم باید در آن قانون داشته باشیم که يك مناسبی داشته باشد و الا این مطلب بهیچوجه راجع بقانون پستخانه نیست

رئیس - اگر مخالفتی نباشد شور را در اینجا ختم میکنیم یک فقره پیشنهاد از آقای حاج شیخ محمد جواد رسیده است قرائت میشود

( بضمون ذیل قرائت شد )  
 بنده پیشنهاد میکنم که قسمت اول از فصل ۴۴ حذف شود

رئیس - آقای مخبر این پیشنهاد را قبول دارید

مخبر - غیر بنده نمیتوانم این پیشنهاد را قبول کنم برای اینکه این قسم تراجم به تعیین بیه از روی تقلب بود

مثلا ملاحظه بفرمائید يك امانتی را از اینجا شخص میفرستد و این امانت رایانصد تومان قیمت میگذارد و این امانت کادر راه میرود بواسطه يك اتفاقی که میافتد شاید يك قسمت جزئی یا کلی آن خراب یا ضایع میشود وقتی که آن امانت را باز میکنند می بینند که این امانت دو تومان هم قیمت ندارد و چون آن امانت هم حاضر است فرض بفرمائید يك پارچه بیصرفی است که حاضر است و ۵ تومان هم قیمت ندارد در صورتی که صاحبش یا نصد تومان قیمت کرده در این صورت چه طور اداره پست میتواند برای این شیئی خراب شده دو صد تومان غرامت بدهد گذشته از این که نمیتواند این را بدهد باید او را هم يك مجازاتی بکند که دیگر بدهد تا قلب نکند

آقای شیخ محمد جواد - اینکه فرمودند اتفاق میافتد اگر يك چنین اتفاقی بیفتد بموجب ماده که الان خوانده شده رجوع بمحاکمه متعارفه خواهد شد و در آنجا وقتی که ثابت شد البته در می کند عرض کردم برای يك اتفاقات فرض نمیشود يك قانونی از برای کلیه امانات وضع کرد

رئیس - رای میگیریم بقبول توجه بودن این پیشنهاد - آقایانی که قابل توجه میدانند قیام نمایند ( همه کثیری قیام نمودند )

رئیس - قابل توجه شد - آقا ارباب کیخسرو و آقای میرزا قاسم خان گویا اظهاراتی داشتند  
 ارباب کیخسرو - اظهارات بنده ۲ فقره بود یکی راجع بودجه است که چندی قبل اینجا قرار شد که بودجه ارامرتبای کمیسیون بفرستند و هر قسم در آنجا تصویب شد و وقتاً اجرا شود تا اینکه بودجه کل مملکتی بمجلس بیاید

چندی است بغیر از بودجه عدلیه و بودجه معارف بکمیسیون نیامده است و از فرار معلوم کمیسیونی که قبلا دولت در خارج تشکیل داده بود که بودجه اارا آنجا بفرستد مدتی است آنهم موقوف شده است بنده تقاضا میکنم از هیئت دولت خواسته بشود که تکلیف آن کمیسیون خارج رامشخص نمایند و اگر فی الواقع رسمیتی دارد تشکیل یابد بودجه اارا مرتباً بکمیسیون بودجه مجلس بفرستد و اگر رسمیت ندارد بودجه اارا از اینجا بیرون بیاورند و بمجلس بفرستند که هر روزی مبلغی ضرر بدولت وارد نشود بعلاوه بودجههایی که در اینجا میفرستند قسمت خرج است و مکرر تقاضا شده است قسمت جمع بودجهها را هم یا تخمیناً یا تحقیقاً بفرستند که وقتی که خرج تصویب می کنند بدانند از روی چه ماخذ است از آن باب هم چیزی معلوم نشده است در صورتی که خیلی خیلی اهمیت دارد بنده تقاضا می کنم جدا از هیئت دولت این دو مطلب خواسته شود و قسمت دیگر اظهارات بنده راجع بقانون تشکیلات مالییه است که چندی قبل بمجلس آمد و شور اولش هم شد و بکمیسیون برگشت دیگر اثری از آن ظاهر نیست بنده تازه می شنوم که آنرا از وزارت مالییه خواسته اند که در آن تجدید نظری بکنند که اینطور باشد بنده نمیتوانم که حقیقتاً وضع مالییه چه خواهد شد و آن قانون ۲۳ جوزا کنسوخ شد برای این بود که يك قانون تشکیلات مالییه صحیحی وضع کنند و در وزارت مالییه ترتیبات صحیحی داده شود فعلا آن قانون نسخ شده است و هیچ تشکیلاتی هم داده نشده است در وزارت مالییه در ولایات هم مردم هیچ تکلیفی ندارند

و در مرکز هم تکلیفی معلوم نیست تقاضا میکنم کمیسیون قوانین مالییه اقدامی بفرمایند که آن قانون زودتر بمجلس بیاید

رئیس - راجع به بودجه ها با آقای وزیر مالییه که هر چه زودتر ممکن است اقداماتی بکنند و آنها را بمجلس بفرستند اگر قدری دیر شده گویا برای اینست که هیئت جدید هنوز درست داخل کار نشده و از ارضاع اطلاعات صحیحی ندارد اینست که خواسته اند چند روزی در امور خودشان وقت نمایند همینطور راجع بقانون تشکیلات مالییه هم آقای وزیر مالییه جدیداً معین شده اند اینجا آمده بودند و در کمیسیون قوانین مالییه بعضی اظهاراتی کرده بودند از طرف کمیسیون بایشان نوشته شد که اظهارات خودشان را روی کاغذ آورده و بکمیسیون پیشنهاد کنند که کمیسیون بدانند عقیده دولت چه چیز است و گویا پیشنهاد دولت هم راجع به تشکیلات مالییه روز ۳ شنبه بمجلس برسد بعد از آنکه رسید البته کمیسیون راپورت خودش را خواهد داد

آقای میرزا قاسم خان اظهاراتی دارید  
 میرزا قاسم خان - عرض بنده هم همان بود که آقای ارباب فرمودند

رئیس - از طرف هیئت رئیسه مجدداً در هر دو مطلب تأکید میشود جلسه روز ۳ شنبه ۳ ساعت بفرود مانده موضوع مذاکرات هم بقیه قانون پست است ولی از آقایان استدعا میشود که ۳ ساعت بفرود مانده تشریف بیاورند

( مجلس یکساعت از شب گذشته ختم شد )

جلسه ۳۶

صورت مشروح مجلس روز ۳ شنبه ۲۶ شهر جمادی الثانیه ۱۳۲۳

مجلس دو ساعت و ربع قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤمن الملک تشکیل و صورت مجلس روز ۳ شنبه ۲۴ قرائت گردید

حاج شیخ اسمعیل  
 غائبین با اجازه - آقای حاج شیخ فضلعلی آقا آقای آقا میرزا محمد صادق طباطبائی  
 رئیس - یک فقره پیشنهاد آقای آقا شیخ محمد جواد زیر روز قابل توجه شد فراموش شده و در صورت مجلس نوشته نشده اضافه خواهد شد بغیر از اینمطلب دیگر ایرادی هست یا نیست ( اظهاری تشد ) ایرادی نیست صورت مجلس تصویب شد يك فقره پیشنهاد از طرف آقای آقا شیخ حبیب الله در جلسه قبل رسیده قرار شد امروز رای بگیریم قرائت میشود و در قابل توجه بودنش رای میگیریم پس از آن شروع میکنیم بشورقانون پستی ( پیشنهاد مزبور بمضمون ذیل قرائت شد

این احقر پیشنهاد مینمایم که عبارت فصل (۴۷) این قسم نوشته شود

حقوق و غراماتی که راجع برسولات داخله بداخله است باید در ظرف یکسال که ابتدای آن روز تحویل امانات و مرسولات به پستخانه است مطابقه شود و در صورت عدم مطالبه اخطار نماید اداره بصاحب حق اگر صاحب حق راپیدا نکند یا شناسد درجاریه اعلان نماید مطالب فوق را در صورتی که تا یکسال در امانت هر قدر هم طول بکشد و بماند نباید یا مال

فقره برسانند در صورتی که معلوم شود که صاحب حق صغیر یا جنون یا اسیر یا مجبوس است بولی و قیم آنها برسانند و حقوق ساقط نخواهد شد ( تقاضا شد تا بنای خوانده شود و مجدداً بضمون فوق قرائت شد )  
 رئیس - آقای مخبر تقاضا میکنند برود بکمیسیون یاخیر

معاون وزارت پست و تلگراف - در يك فصلی از این قانون که گذشت اگر ملاحظه بفرمائید راجع بتکلیف اماناتی که در پستخانه میماند نوشته شده که بعد از يك مدتی اگر صاحب او پیدا نشد یا آن شرایطی که نوشته شده است بصندوق دولت داده میشود و در اینجا هم خیلی مذاکره شد و بنده توضیح دادم که هلت اینکار چیست و آقایان هم این مطلب را قبول فرمودند حال اگر این ماده این شرحی که پیشنهاد میشود بکلی مخالف با آن ماده خواهد بود و اما این ماده که در اینجا نوشته شده است برای اینست که در ظرف یکسال صاحب امانت حتماً با اداره اظهار بکند نه اینکه حکما امانت خودش را بگیرد و اگر بگیرد حقت ساقط میشود اینطور نیست بلکه همینقدر که يك اظهاری از کسی برسد که من صاحب فلان امانت هستم حق او ساقط نمیشود و ثابت میماند مقصود از این ماده اینست که اگر در يك سال بهیچوجه اثری از صاحب آن مال پیدا نشد که اظهاری به اداره پست بکند حقت ساقط خواهد شد و علتش هم معلوم است وقتی که يك پاکتی یا يك مالی برای يك شخص با اداره پست رسیده باشد از آنکه به مقصد میرساند و بعد از آنکه رساند ولو اینکه صاحب آن مال مرحوم شده یا فرضاً

مجنون شده و یا در مسافرت باشد البته بآن شخصی که میدهد قبض پستی را باید با اداره بدهد که این مال راجع بمن است و از آن ساعتی که آن شیئی را با اداره پست داده تا آن مدتی که در این ماده ذکر شده است اداره پست مکلف است آن مال را بصاحب آن برساند و اگر اظهاری با اداره نرسید همانطور که پیشنهاد فرمودند در جرایه اعلان خواهد شد و بعد از آنکه بهیچوجه صاحبش پیدا نشد آنوقت بصندوق دولت تحویل داده میشود و بعد از آنکه بصندوق دولت تحویل داده باشد همانطوریکه آقای مدرس پیشنهاد کردند هر نوع معامله که صلاح میدانند در آن وجه بکنند و در هر يك از امور خیریه که مقرر بشود بصرف میرسانند زیرا البته بودجه مملکت باید از مجلس شورای ملی بگذرد و مسلم است که این هایدات هم در بودجه پیش بینی شده است و مجلس شورای ملی میتواند مخارجی از برای این قبیل عایدات معین بکند که بصرف خیریه برسد و این پیشنهادی که رسیده است وقتی که دقت بشود ملاحظه خواهند فرمود که بهیچوجه تکلیف اداره پست نیست و بنده از تکلیف آن اداره خارجه می دانم

حاج شیخ حبیب الله - بنده عرض می کنم این مالی را که به پستخانه میدهند در واقع پستخانه امین است و این مال نزد او خواهد بود و امانت نباید بواسطه این که مطالبه نکرده از بین برود اگر این مطلب را قبول دارند که امانت نباید از میان برود جهت امانت از یکسال بگذرد نباید داده شود چه قرق میکنند البته امانت هر قدر هم طول بکشد و بماند نباید یا مال

فقره برسانند در صورتی که معلوم شود که صاحب حق صغیر یا جنون یا اسیر یا مجبوس است بولی و قیم آنها برسانند و حقوق ساقط نخواهد شد ( تقاضا شد تا بنای خوانده شود و مجدداً بضمون فوق قرائت شد )  
 رئیس - آقای مخبر تقاضا میکنند برود بکمیسیون یاخیر

معاون وزارت پست و تلگراف - در يك فصلی از این قانون که گذشت اگر ملاحظه بفرمائید راجع بتکلیف اماناتی که در پستخانه میماند نوشته شده که بعد از يك مدتی اگر صاحب او پیدا نشد یا آن شرایطی که نوشته شده است بصندوق دولت داده میشود و در اینجا هم خیلی مذاکره شد و بنده توضیح دادم که هلت اینکار چیست و آقایان هم این مطلب را قبول فرمودند حال اگر این ماده این شرحی که پیشنهاد میشود بکلی مخالف با آن ماده خواهد بود و اما این ماده که در اینجا نوشته شده است برای اینست که در ظرف یکسال صاحب امانت حتماً با اداره اظهار بکند نه اینکه حکما امانت خودش را بگیرد و اگر بگیرد حقت ساقط میشود اینطور نیست بلکه همینقدر که يك اظهاری از کسی برسد که من صاحب فلان امانت هستم حق او ساقط نمیشود و ثابت میماند مقصود از این ماده اینست که اگر در يك سال بهیچوجه اثری از صاحب آن مال پیدا نشد که اظهاری به اداره پست بکند حقت ساقط خواهد شد و علتش هم معلوم است وقتی که يك پاکتی یا يك مالی برای يك شخص با اداره پست رسیده باشد از آنکه به مقصد میرساند و بعد از آنکه رساند ولو اینکه صاحب آن مال مرحوم شده یا فرضاً

مجنون شده و یا در مسافرت باشد البته بآن شخصی که میدهد قبض پستی را باید با اداره بدهد که این مال راجع بمن است و از آن ساعتی که آن شیئی را با اداره پست داده تا آن مدتی که در این ماده ذکر شده است اداره پست مکلف است آن مال را بصاحب آن برساند و اگر اظهاری با اداره نرسید همانطور که پیشنهاد فرمودند در جرایه اعلان خواهد شد و بعد از آنکه بهیچوجه صاحبش پیدا نشد آنوقت بصندوق دولت تحویل داده میشود و بعد از آنکه بصندوق دولت تحویل داده باشد همانطوریکه آقای مدرس پیشنهاد کردند هر نوع معامله که صلاح میدانند در آن وجه بکنند و در هر يك از امور خیریه که مقرر بشود بصرف میرسانند زیرا البته بودجه مملکت باید از مجلس شورای ملی بگذرد و مسلم است که این هایدات هم در بودجه پیش بینی شده است و مجلس شورای ملی میتواند مخارجی از برای این قبیل عایدات معین بکند که بصرف خیریه برسد و این پیشنهادی که رسیده است وقتی که دقت بشود ملاحظه خواهند فرمود که بهیچوجه تکلیف اداره پست نیست و بنده از تکلیف آن اداره خارجه می دانم

شود و باید بصاحبش داده شود بهمان ترتیبی که عرض کردم بچرا باید اعلان میدهند تا صاحبش پیدا شود و باو بدهند شاید فرصت نگردد یا غفلت کرده یا غدیری برای او پیش آمده و اگر از برای اوبك قدری از معاذیر شرعیه از قبیل صغیر و جنون یا معاذیر عرفیه باشد آنوقت باید بهمان قسمیکه مال غایب و صغیر را توجه میکنند آن مال را توجه نموده بصاحبش برسانند و این مطلب محتاج بمذاکره نیست خوب است قبول کنند

رئیس - باید موافق عقیده شان باشد که قبول کنند - در قابل توجه بودن این پیشنهاد رای می گیریم آقایانی که این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند ( همه قلبی قیام نمودند )

رئیس - قابل توجه نشد - فصل پنجاهم قرائت میشود

( بضمون ذیل قرائت شد )  
 فصل پنجاهم - هرگاه کسی برخلاف مسطورات فصول دوم و چهارم رفتار نماید از يك الی پنج تومان جریمه خواهد شد همچنین اگر برخلاف جمله ال فصل پنجم رفتار نماید در تحت همین قاعده خواهند بود در صورت تکرار خلاف جریمه ممکن است بصد تومان بالغ شود

مدرس - راجع باین ماده و بعضی مواد دیگر در باب چهارم ذکر شده عرض میکنم البته کلیه قوانین تا مجازات نداشته باشد اجراء نمیشود و خیلی تحسین میکنم نظراین وزارتخانه را که نظر به اقب در اجرای این قانون مجازاتی از برای تخلف از آن مقرر فرموده اند الا اینکه بنده از آقای مخبر تقاضا میکنم که اگر صلاح بدانند این مواد باب چهارم را بکمیسیون ارجاع دهند و بعضی از آقایان اینجا حاضر شوند و اگر صلاح بدانند بنده هم در خدمتشان باشم و در آنجا نظریاتی بکنم و در شور نانی مجدداً در مجلس مقدس مذاکره شود اگر قبول بفرمایند این تقاضای بنده است

مخبر - چون در این باب چند مطلب دیگر هم هست خوب است آقا آن مواد را که باید به کمیسیون رجوع شود بفرمایند بنده هم قبول میکنم و باقی دیگر که باید در اینجا شور شود مذاکره شود

مدرس - ماده پنجاه و پنج بنظر بنده نباید اینجا مذاکره شود

رئیس - چون این شور اول است و رای قطعی گرفته نمیشود ممکن است این مطلب را که فرمودید وقتی که این قانون بکمیسیون بر میگردد فرمایشات خودتان را همانجا اظهار بفرمائید تا اصلاح شود

مدرس - عرض اینست که این ماده پنجاه و پنج میشود در اینجا مذاکره شود باقی دیگر راجع ب مجازات است میخواهید همین جا ماده بماده مذاکره فرمائید ممانی ندارد

رئیس - در ضمن شور مواد هر کدام را خواسته باشید ارجاع بکمیسیون شود بفرمائید  
 حاج سید اسماعیل قزوینی - مقصود من همین مذاکره بود که آقای شیخ حبیب الله کردند و نفهمیدم وجه اینکه در رای گرفتن بعضی برخواستند